

# دکتر یونس شکر خواه

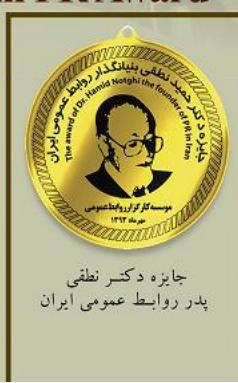
پدر علم روزنامه نگاری آزادین ایران  
منتخб جایزه دکتر نطقی

Dr. Younes Shokr khah

Winner of the Dr. Notghi PR Award

تیپ و تنظیم: موسسه کارگزار روابط عمومی

یازدهمین کنفرانس بین المللی  
روابط عمومی ایران  
۱۳۹۳ مهر ماه ۲۷



جایزه دکتر نطقی  
پدر روابط عمومی ایران

The 11<sup>th</sup> International  
Conference on PR in Iran  
October 19, 2014  
Tehran, Iran

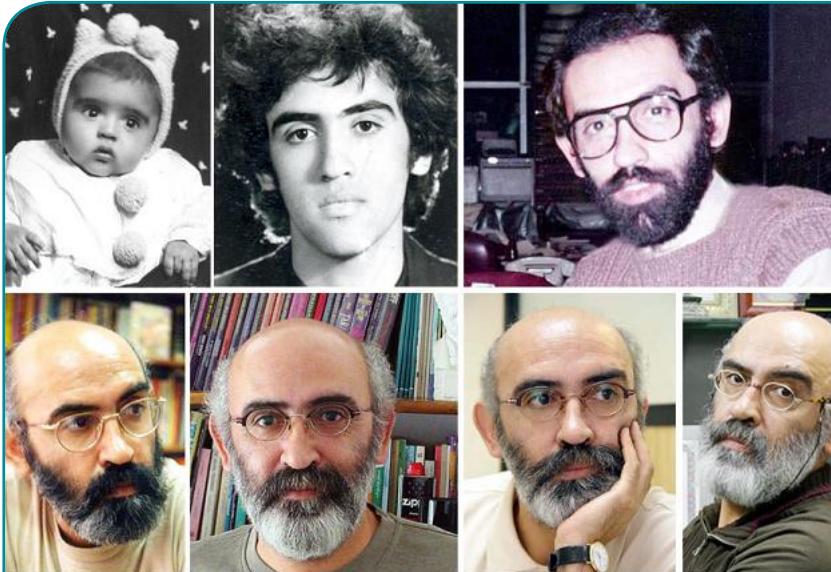


# یونس شکرخواه (۱۳۳۶-)

عضو هیات علمی دانشگاه تهران - دانشکده مطالعات جهان  
لیسانس متجمی زبان انگلیسی | فوق لیسانس علوم ارتباطات | دکترا علوم ارتباطات

OOO●

**دکتر یونس شکرخواه، عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و رئیس موسسه مطالعات اروپا و آمریکای شمالی - دانشگاه تهران است که علاوه بر تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا تا به حال در زمینه‌های ارتباطات، روزنامه‌نگاری آنلاین و روابط عمومی بیش از ۱۵ عنوان کتاب به زبان فارسی، ۱۱ عنوان کتاب ترجمه، ۳ عنوان ترجمه مشترک و ده‌ها مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی را به چاپ رسانده است.**



## ترجمه‌ها:

۱. جیمز وینکلر، عصر اقیانوس آرام، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: کیهان، ۱۳۶۵)
۲. گلن حی بارکلی، ناسیونالیسم قرن بیستم، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: سفیر، ۱۳۶۹)
۳. لوری ویلسون و حمید مولانا، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: مرکز تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱)
۴. حمید مولانا، جریان بین‌المللی اطلاعات، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: مرکز تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱)
۵. گلدادستین جاشوآس و دیگران، خیابان سه طرفه: کنش و واکنش استراتژیک در سیاست جهانی، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲)
۶. خوان پنه لوپیکوبی، سبید در اندلس، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: برگ، ۱۳۷۳)
۷. هربرت شیلر، اطلاعات و اقتصاد بحران، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: آفتاب، ۱۳۷۵)
۸. مالوری بلاکمن، اسم رمز، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: آتش، ۱۳۷۷)
۹. سارا آنگلیس، ارتباطات، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: آتش، ۱۳۷۸)
۱۰. کمیسیون اروپا، منشور اروپایی پژوهشگران: مرامنامه استخدام پژوهشگران، ترجمه یونس شکرخواه، (تهران: مؤسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپا، ۱۳۹۱)

## اویرایش:

۱. آیازک آسیموف، مکانی دیگر، ترجمه اسکندر جهانبانی، ویراستار یونس شکرخواه، (تهران: آتش، ۱۳۷۸)

## قابلیات:

۱. یونس شکرخواه، واژه‌نامه پژوهش‌های ارتباطی و رسانه‌ای، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱)
۲. یونس شکرخواه، خبر، (تهران: مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۳)
۳. یونس شکرخواه، تکنولوژی‌های ارتباطی و جامعه اطلاعاتی، (تهران: اونشه، ۱۳۷۹)
۴. یونس شکرخواه، مبانی خبرنويسي، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۸۰)
۵. یونس شکرخواه، خبرنويسي مدرن، (تهران: توانير، روابط عمومي و امور بین‌الملل، ۱۳۸۰)
۶. یونس شکرخواه، واژه‌نامه ارتباطات، (تهران: سروش، ۱۳۸۱)
۷. یونس شکرخواه، خبرنويسي مدرن، (تهران: خجسته، ۱۳۸۱) ویراست دوم ۱۳۸۲؛ چاپ سوم ۱۳۸۶
۸. یونس شکرخواه، روزنامه‌نگاری سایبر؛ جامعه اطلاعاتی و آزادی بیان دوم ۱۳۸۴

## ترجمه‌های مشترک:

۱. جان جیکس، شمال و جنوب، یونس شکرخواه و احمد صدارتی،



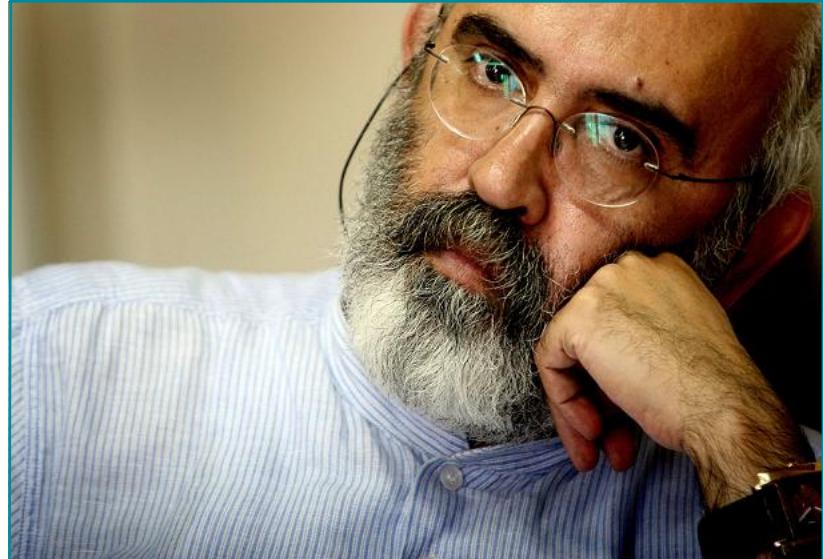
یونس شکرخواه، (تهران: انتشارات روزنامه جام جم، ۱۳۹۱)

## | گفتگو:

۱. اینترنت؛ دنیای مجازی در گفتگو با یونس شکرخواه، علی اصغر سیدآبادی (تهران: نشر اگر، ۱۳۸۴)

## | مقالات:

- ۱۳۸۰: جامعه اطلاعاتی، چهره روز جهانی، در اولین سمینار میان منطقه‌ای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی، تهران
- ۱۳۸۰: خبر، رسانه‌های خبری و کنترل دروازه‌ها، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۲۷، پاییز
- ۱۳۸۰: خبر، رسانه‌های خبری و کنترل دروازه‌ها، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۲۷، پاییز
- ۱۳۸۰: نیاز مخاطبان به سواد رسانه‌ای، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۲۶، تابستان
- ۱۳۸۱: چالش‌های روزنامه‌نگاری الکترونی درباره روزنامه‌نگاری مطبوعاتی، رادیویی و تلویزیونی کنونی در همایش علمی ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی، تهران
- ۱۳۸۱: شناخت مکانی زبان‌شناسی، فصلنامه رسانه، شماره ۴۹، بهار
- ۱۳۸۲: آموزش رسانه‌ای و ۱۸ اصل حاکم بر آن، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۲۳، بهار
- ۱۳۸۲: جامعه اطلاعاتی؛ پیشینه، پرسش‌ها و ملاحظات ملی در مورد زمینه‌های نخستین اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی؛ یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۸۲
- ۱۳۸۲: بررسی تطبیقی اعلامیه‌های کنفرانس‌های منطقه‌ای تدارک اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی
- ۱۳۸۲: در دومین سمینار میان منطقه‌ای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی، تهران
- ۱۳۸۳: روزنامه‌نگاری سایبر و سرنوشت آزادی بیان در جامعه اطلاعاتی در سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات
- ۱۳۸۳: ایران و حاکمیت بر اینترنت در سومین نشست تخصصی - علمی برنامه‌های مشارکت ایران در دومین اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی، آذر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
- ۱۳۸۳: آزادی بیان در مصوبه‌های جهانی، فصلنامه رسانه، شماره ۵۹، پاییز
- ۱۳۸۴: روزنامه‌نگاری سنتی و روزنامه‌نگاری سایبر در جامعه اطلاعاتی آثار فن آوری های نوین ارتباطی بر آزادی بیان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۳ - بهار
- ۱۳۸۵: اطلاعات و دانش؛ یک آینه؛ جوامع گوناگون در کنفرانس یونسکو؛ جامعه اطلاعاتی و جوامع معرفتی؛ چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵؛ سواد رسانه‌ای؛ یک مقاله عقیده‌ای، فصلنامه رسانه، شماره ۶۸، زمستان
- ۱۳۸۵: اخلاق حرفه‌ای، یک بسته و یک جهان رویا، فصلنامه رسانه، شماره ۶۶، تابستان
- ۱۳۸۶: آیا سایبر ژورنالیسم بر آزادی بیان تاثیر می‌گذارد؟ فصلنامه علمی پژوهشی رسانه
- ۱۳۸۶: ملاحظات جهانی پخش آگهی از شبکه‌های تلویزیونی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۲۹، بهار
- ۱۳۸۸: روزنامه‌نگاری همراه و پوشش خبری جنگ عراق؛ مطالعه موردی فاکس نیوز، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی، شماره پنجم ۱۳۸۸؛ بعد اخلاقی جامعه اطلاعاتی، مجموعه مقالات فضای مجازی



- (تهران: ثانیه، ۱۳۸۴، چاپ دوم ۱۳۸۸)
۹. یونس شکرخواه، سبک‌های خبرنویسی (تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، ۱۳۸۵)
۱۰. یونس شکرخواه، انفجر بزرگ خاموش (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶)
۱۱. یونس شکرخواه و همکاران، فضای مجازی، ملاحظات اخلاقی حقوقی و اجتماعی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰)
۱۲. یونس شکرخواه و سید فرید قاسمی، تاریخ مطبوعات ایران (تهران: انتشارات ثانیه، ۱۳۹۰)
۱۳. یونس شکرخواه، جامعه اطلاعاتی چیست؛ پیشینه و نشست‌های جهانی درباره یک مفهوم (تهران: موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپای دانشگاه تهران، ۱۳۹۰)
۱۴. یونس شکرخواه، روابط عمومی از زاویه ارتباطات (تهران: سیما شرق، ۱۳۹۳)
۱۵. یونس شکرخواه، مریم سلیمی، گرافیک خبری و اطلاع‌رسان (تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، ۱۳۹۳)

## | پژوهش:

۱. یونس شکرخواه و همکاران، ارزیابی تکنیکی مطالب ۲۵۰ نشریه شهرستانی کشور (پژوهش انجام شده برای دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها - ۱۳۸۱)
۲. یونس شکرخواه، بررسی و ارزیابی گزارش‌ها، استناد و مصوبات دو میان اجلاس سران جهان درباره جامعه اطلاعاتی؛ تونس ۱۶ تا ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵ (پژوهش انجام شده برای دانشگاه علامه طباطبایی - مرداد ۱۳۸۴)

## | مقدمه نویسی:

۱. امید معماریان، مهارت‌های ارتباطی، مقدمه دکتر یونس شکرخواه، (تهران: مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۳)
۲. علیرضا پویا، خبر و خبر رسانی در قران کریم، مقدمه دکتر یونس شکرخواه، (تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما، ۱۳۸۴)
۳. بروس اتولو دیگران، نرم خبر و ساخت خبر، ترجمه رضا نوروز بور، مقدمه دکتر یونس شکرخواه، (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی - اردیبهشت ۱۳۸۴)
۴. کاربرد واژه‌نامه، تیریک، مقدمه دکتر یونس شکرخواه، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۹۰)
۵. محمدرضا نادری گیسور، اصول روزنامه‌نگاری آنلاین، مقدمه دکتر



- عضو هیأت داوران جشنواره نشریات دانشجویی ایران (دو سال)
- عضو هیأت داوران جشنواره برترین روابط عمومی های ایران (دو سال)
- ۱۳۸۰: عضویت در شورای علمی فصلنامه ارتیاطی سنجش و پژوهش (ادامه دارد)
- عضو شورای سردبیری کتاب هفته (چهار سال)
- ۱۳۸۱: راه اندازی و سردبیری وبسایت جام جم آنلاین (سه سال)
- عضو هیأت داوران جشنواره نشریات ادواری، بزرگداشت حامیان نسخ خطی
- عضو هیأت داوران نخستین جشنواره رسانه و خبرنگاران حوزه کتاب
- عضویت در گروه چند رسانه‌ای فرهنگستان هنر (ادامه دارد)
- عضویت در کمیته ملی اطلاعات کمیسیون ملی یونسکو در ایران - ادامه دارد
- ۱۳۸۳: عضو هیات موسس و هیات رئیسه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی (ادامه دارد)
- ۱۳۸۴: عضویت در کمیته راهبری اجلاس آسیا- اقیانوسیه WSIS
- عضو هیأت داوران دومین جایزه عکاسی مطبوعاتی کاوه گلستان
- عضو هیأت داوران دوازدهمین جشنواره مطبوعات
- عضو شورای راهبری ICT سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۳۸۵: راه اندازی و سردبیری وب سایت همشهری آنلاین (ادامه دارد)
- عضو هیأت داوران دومین جایزه عکاسی مطبوعات شهری
- ۱۳۸۶: عضو هیأت داوران انتخاب روزنامه‌نگاران برتر خبرگزاری‌ها و نشریات عرصه نسخ خطی
- ۱۳۸۷: رئیس موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپای دانشگاه تهران (ادامه دارد)
- ۱۳۸۸: دبیر علمی سمینار ملی فضای مجازی، ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران با همکاری موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپای دانشگاه تهران؛ مرکز پژوهش سیاست‌های فضای مجازی دانشگاه تهران و سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران
- عضو کمیته راهبری سمپوزیوم بین‌المللی Confenis-IASEIIA 2010

- IASEIIA  
International Advanced Symposium on Enterprise Integration and Information Architecture
- ۱۳۹۱: رئیس همایش روز جهانی رسانه‌های اجتماعی- دهم تیرماه - تهران
  - ۱۳۹۱: دبیر نخستین جشنواره ملی شهرنگار؛ مدیریت شهری در آینه رسانه - مشهد
  - ۱۳۹۱: رئیس هیات داوران جشنواره رسانه، آموزش عالی، علم و فناوری - بیست و دوم اسفند - تهران
  - ۱۳۹۲: عضو داوران نهایی بیستمین جشنواره سراسری مطبوعات، خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی
  - ۱۳۹۲: عضو شورای راهبردی خبرگزاری ایرنا

## فعالیت‌های حرفه‌ای در جهان:

- ۱۹۸۵: چین پکن؛ پوشش خبری مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دنگ شیائو پینگ
- تهیه گزارش از شهر منوعه، کنگره خلق چین و میدان تیان آمن شانگهای؛ تهیه گزارش از شهر شانکسی؛ تهیه گزارش از مکان‌های تاریخی امپراتوران

ملاحظات اخلاقی حقوقی و اجتماعی (تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸)

۱۳۸۸: جوامع اطلاعاتی و معرفتی؛ ارائه شده در سمپوزیوم بین‌المللی Conffenis-IASEIIA 2010

۱۳۸۸: روابط عمومی رسانه‌ای تر و گلوبال‌تر، کتاب مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی روابط عمومی دو (تهران، همایش بین‌المللی روابط عمومی دو)

۱۳۹۰: مطالعات فرهنگی نظریه انتقادی و حاکمیت فرهنگی؛ فصلنامه فرهنگ؛ فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران؛ شماره پائیز و زمستان ۱۳۹۰: گرافیکی‌شدن نشر الکترونیک، ارائه شده در سمینار بین‌المللی ناشran جهان اسلام ۱۳۹۱: استانداردهای تولید محتوا در فضای مجازی؛ موردی به نام فراداده‌ها، ارائه شده در همایش محتوا ملی در فضای مجازی؛ تهران

## مقالات در نشریات بین‌المللی:

Passing through a paradigm shift:

ME Printer-2013-03-04

The 5th Street of the Information Society:

ME Printer-15-Feb-2004

## فعالیت‌های حرفه‌ای در ایران:

۱۳۶۰: آغاز فعالیت مطبوعاتی؛ ترجمه مقالات بین‌المللی برای روزنامه اطلاعات

۱۳۶۲: دبیر سرویس خارجی و عضو شورای تیتر روزنامه کیهان (۱۶ سال)

۱۳۶۹: عضویت در هیات تحریریه ماهنامه تخصصی صنعت چاپ (ادامه دارد)

۱۳۷۴: عضو شورای علمی فصلنامه رسانه (ادامه دارد)

۱۳۷۵: عضو هیأت داوران جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان (شش سال)

۱۳۷۶: عضو هیأت داوران چهارمین جشنواره مطبوعات

- عضو هیأت داوران دومین مسابقه سالانه عکاسی مستند ایران ۱۳۷۷: عضو هیأت داوران سینمای بررسی مسائل مطبوعات ایران

## ۲۰۰۳: سوئیس

ژنو: اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی - عضو هیات علمی همراه سید محمد خاتمی ریس جمهور

## ۲۰۰۴: امارات متحده عربی

دبي: تهیه گزارش از شهر رسانه‌ای

دبي: عضوبت در سردبیری ماهنامه بین‌المللی ME-PRINTER

## ۲۰۰۵: امارات متحده عربی

دبي: دیدار از شهر رسانه‌ای؛ شهر اینترنتی و دهکده دانش

## ۲۰۰۶: تونس

تونس: اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی - عضو

کمیته محتوای و رسانه‌ای

## ۲۰۰۷: ژاپن

کیوتو: گفتگو با پژوهشگران در مرکز مطالعات بین‌المللی ژاپن

## ۲۰۰۸: بریتانیا

بیرمنگام: دانشگاه بیرمنگام؛ شرکت در کنفرانس مطالعات آمریکا و مطالعات ایران، پل زدن میان ملل و رشته‌ها

## ۲۰۰۹: هلند

آمستردام و لاهه: شرکت در نشستهای دانشکده مطالعات جهان و دانشکده‌ای دانشگاه آمستردام

## ۲۰۱۰: عراق

نجف و کربلا: شرکت در مراسم رونمایی ضریح جدید حرم امام حسین(ع)



## ۱۹۸۵: ژاپن

توكیو: پوشش مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با ناکازونه

تهیه گزارش از صنایع اتومبیل‌سازی

ناکازونه: تهیه گزارش از موزه صلح و طرح‌های اقتصادی

## ۱۹۹۱: سنگال

داکار: پوشش خبری حضور رئیس جمهوری اسلامی ایران در اجلاس

سوان OIC

طوبی: تهیه گزارش از شهر

## ۲۰۱۳: کره جنوبی

سئول: بازدید از دانشگاه‌های هنکوک و میونگ‌جی

## ۲۰۱۴: سوئیس

ژنو: چهاردهم تا هفدهم آوریل: شرکت در "رویداد سطح بالای وسیس + ۱۰. The WSIS+10 High-Level Event" - مرحله پنجم - چهارمین نشست فیزیکی در مقر اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دوربرد (ITU) به عنوان عضو هیأت وسیس ایران

ژنو: بیست و هشتم تا سی و یکم مه: شرکت در "رویداد سطح بالای وسیس + ۱۰" The WSIS+10 High-Level Event) - مرحله ششم - پنجمین نشست فیزیکی در مقر سازمان بین‌المللی مالکیت

معنوی (WIPO) به عنوان عضو هیأت وسیس ایران "ژنو: نهم تا سیزدهم ژوئن: شرکت در "رویداد سطح بالای وسیس + ۱۰" The WSIS+10 High-Level Event" - برای نهایی شدن استاد

به عنوان عضو هیأت وسیس ایران

## ۱۹۹۱: سودان

خارطوم: پوشش خبری مذاکرات رئیس جمهوری اسلامی ایران با سران

سودان

حصا حیصا: تهیه گزارش از شهر

## ۱۹۹۱: عربستان سعودی

تهیه گزارش از شهرهای مدینه، جده و مکه

## ۲۰۰۱: آلمان

فرانکفورت: پوشش خبری بزرگترین نمایشگاه جهانی کتاب در آلمان

هایدلبرگ: تهیه گزارش از پرینت آکادمی

اشتوتگارت: تهیه گزارش از بزرگترین شبکه توزیع کتاب

فرانکفورت: شرکت در سمینار بین‌المللی پرسش‌های بزرگ نشر الکترونیک

## ۲۰۰۲: امارات متحده عربی

دبي: پوشش خبری نمایشگاه بین‌المللی چاپ

ابوظبی: تهیه گزارش از چاپخانه‌ها

شارجه: تهیه گزارش از چاپخانه‌ها

## | راهنمایی پایان‌نامه:

۱۳۸۷: روزنامه‌نگاری همراه: مطالعه موردی فاکس نیوز در پوشش خبری جنگ ۲۰۰۳ عراق - استاد راهنمای دانشجوی کارشناسی ارشد:



- ۱۳۹۰: بررسی اثربخشی قانون سقف‌گذاری قیمت: مطالعه مورده شرکت مخابرات بریتانیا از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۳ - استاد مشاور دانشجوی کارشناسی ارشد؛ مریم حسینزاده - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان
- ۱۳۹۰: دین و جنسیت در فضای مجازی: مطالعه مورده مکریک - استاد مشاور دانشجوی کارشناسی ارشد؛ داریوش سنجری پور - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان
- ۱۳۹۰: تحلیل گفتمان انتقادی هویت ملی در سینمای مکریک - استاد مشاور دانشجوی کارشناسی ارشد؛ الهه نوری - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان
- ۱۳۹۰: جایگاه حریمه خصوصی از دیدگاه افراد مشهور و روزنامه‌نگاران - استاد مشاور دانشجوی کارشناسی ارشد؛ افسانه حسینزاده - دانشگاه علامه طباطبایی؛ دانشکده علوم اجتماعی
- ۱۳۹۰: بررسی استعاره‌های ظرف و مظروف در زبان فارسی مطبوعات - استاد مشاور دانشجوی کارشناسی ارشد؛ حسین آذربایجانی - دانشگاه علامه طباطبایی؛ دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی

- ۱۳۸۹: فاطمه کمالی چیرانی - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان
- ۱۳۸۹: الیوت فرهنگ و فاشیسم؛ جدایی تدریجی - استاد راهنمای دانشجوی کارشناسی ارشد؛ امیر شریفی امید - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان
- ۱۳۸۹: بازنمود برنامه هسته‌ای ایران در تلویزیون انگلیسی زبان RT - روسیه - استاد راهنمای دانشجوی کارشناسی ارشد؛ جواد سید صالحی - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان
- ۱۳۹۰: تبلیغات بریتانیایی در جنگ جهانی دوم؛ کاربره مدل لسوی در پوشش رسانه‌ای - استاد راهنمای دانشجوی کارشناسی ارشد؛ فرشید شیروانی - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان
- ۱۳۹۰: بازتعریف هویت بریتانیایی - استاد راهنمای دانشجوی کارشناسی ارشد؛ مرضیه موسی نژاد - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان
- ۱۳۹۰: آینه دو سویه فرهنگ عامه و جامعه دهه شصت بریتانیا: تحلیل گفتمان انتقادی متن‌های منتخب گروه بیتلز - استاد راهنمای دانشجوی کارشناسی ارشد؛ زهرا عازمی - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان
- ۱۳۹۰: انعکاس انتخابات نخست وزیری ۲۰۱۰ بریتانیا در آرشیو اینترنتی بی‌بی‌سی - استاد راهنمای دانشجوی کارشناسی ارشد؛ نسیم دشتی‌زاده - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان

### مشاوره پایان نامه:

- ۱۳۸۷: بررسی تطبیقی دیدگاه‌های متخصصان فنی و صاحب نظران ارتباطی درباره توسعه و پیشبره جامعه اطلاعاتی در ایران - استاد مشاور دانشجوی کارشناسی ارشد؛ زهرا شاه قاسمی - دانشگاه علامه طباطبایی؛ دانشکده علوم اجتماعی

- ۱۳۸۷: بررسی ویژگی‌های روزنامه‌نگاری تخصصی کودک و نوجوان از دیدگاه متخصصان - استاد مشاور دانشجوی کارشناسی ارشد؛ حمیده جمالی - دانشگاه علامه طباطبایی؛ دانشکده علوم اجتماعی

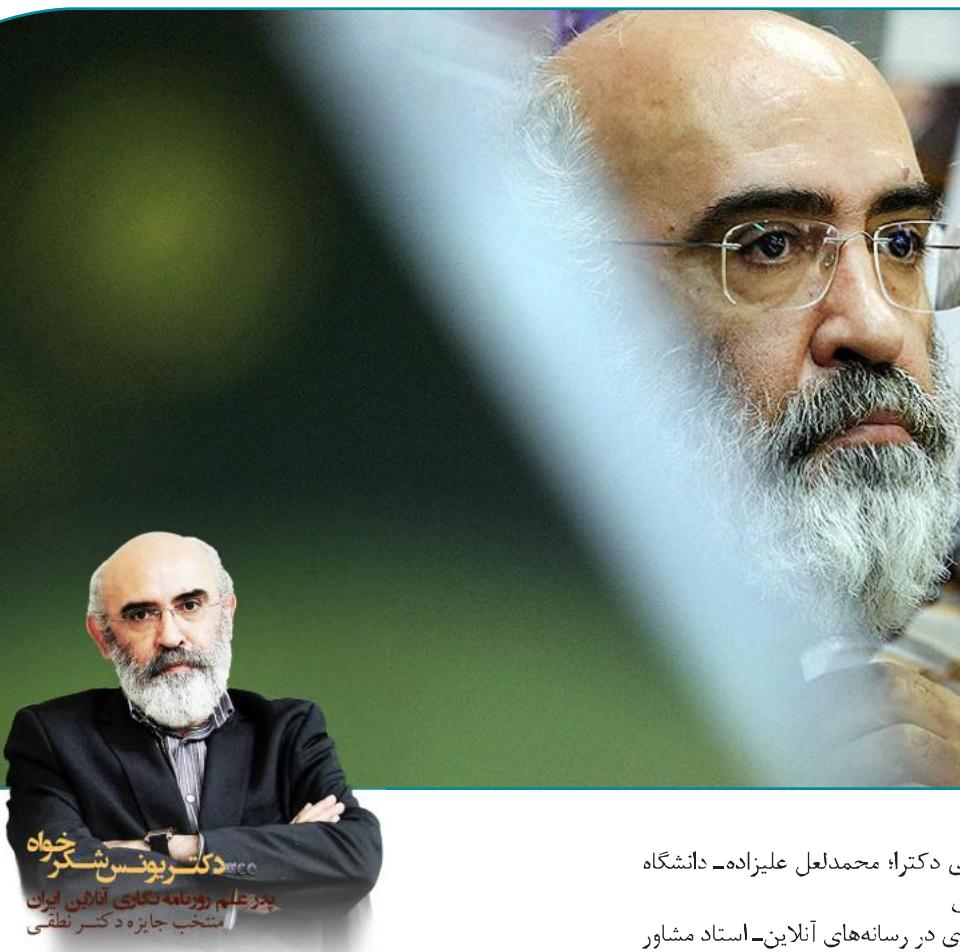
- ۱۳۸۸: تاثیر تحولات تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر رفتار سیاسی اقوام؛ مطالعه مورده نخبگان قوم کرد در ایران - استاد مشاور دانشجوی دکترا؛ محمدمعل علیزاده - دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم انسانی

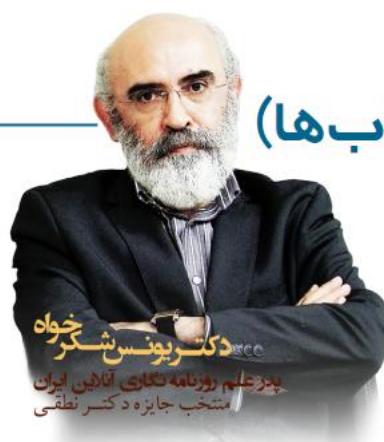
- ۱۳۸۸: بررسی کاربرد گرافیک خبری در رسانه‌های آنلاین - استاد مشاور دانشجوی کارشناسی ارشد؛ مریم سلیمی؛ دانشگاه سوره
- ۱۳۸۹: مفهوم‌سازی و ارزیابی شهر مجازی نیویورک - استاد مشاور دانشجوی کارشناسی ارشد؛ سیده ساره سجادی - دانشگاه تهران؛ دانشکده مطالعات جهان

- ۱۳۹۰: تاثیرات فناوری ارتباطی و اطلاعاتی بر امنیت ملی با رویکرد آینده پژوهی - استاد مشاور دانشجوی دکترا؛ حسین انتظامی - دانشگاه عالی دفاع ملی

### وبسایت:

[www.younesspacc.blogspot.com](http://www.younesspacc.blogspot.com)

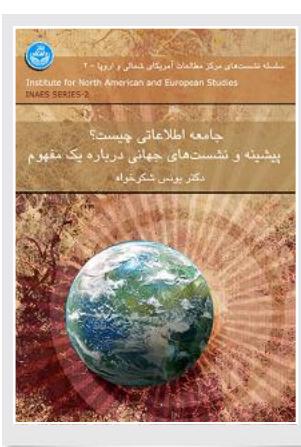
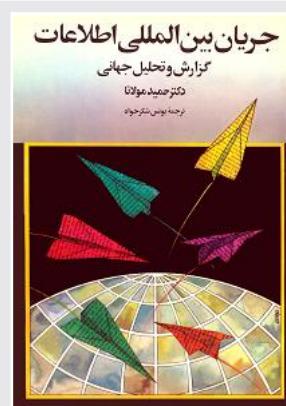
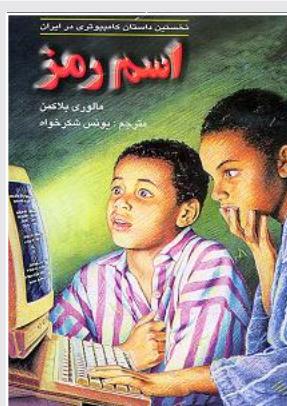
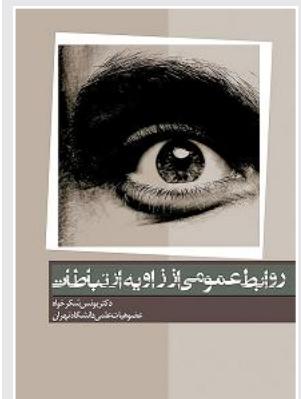
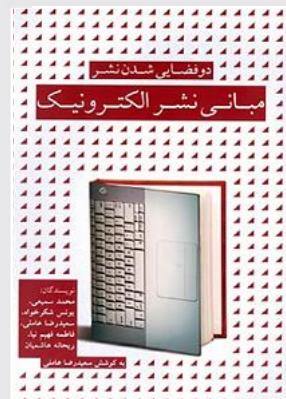
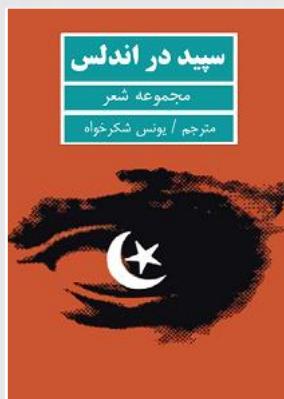
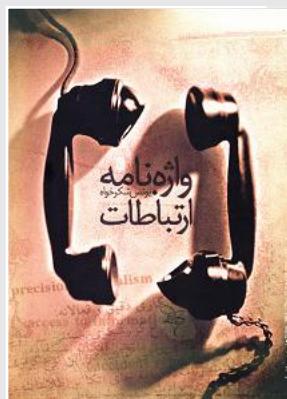


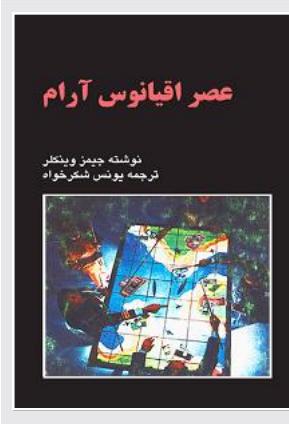
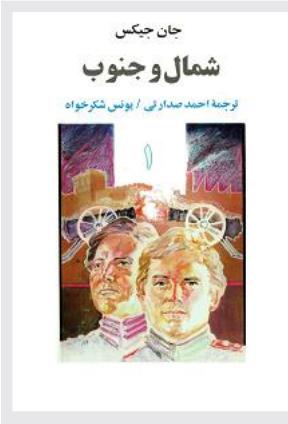
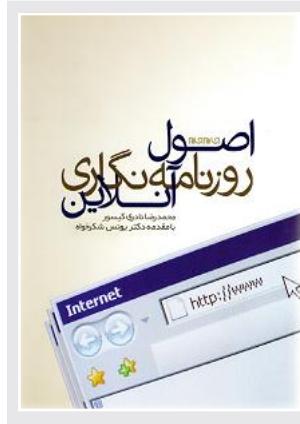
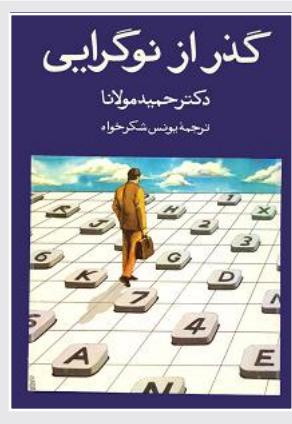
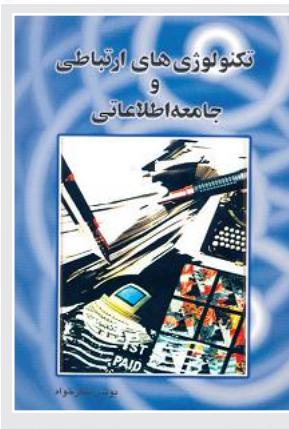
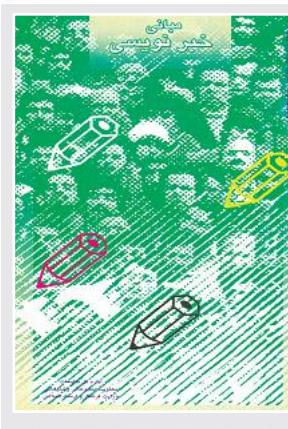
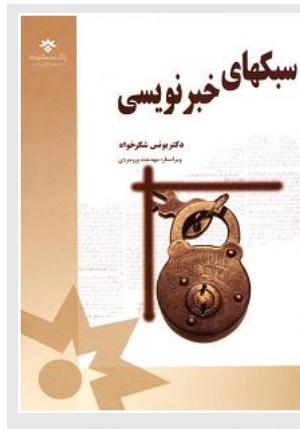
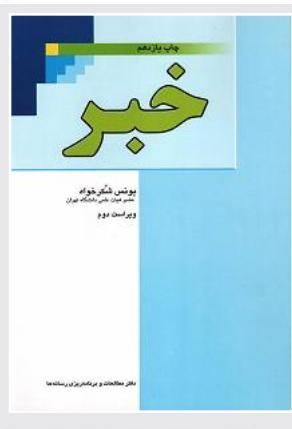
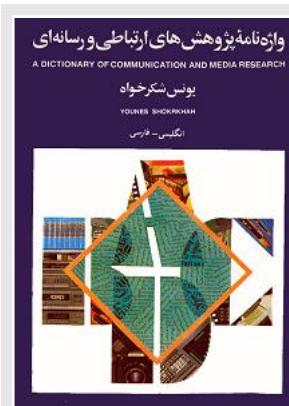
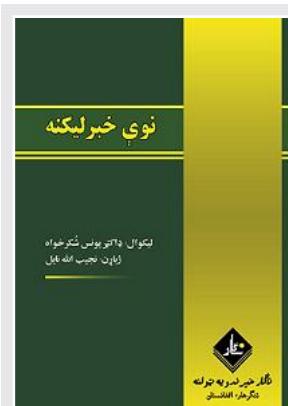
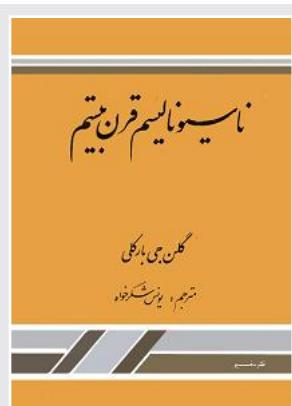


# ۰۰۰ یونس شکرخواه (کتاب‌ها)

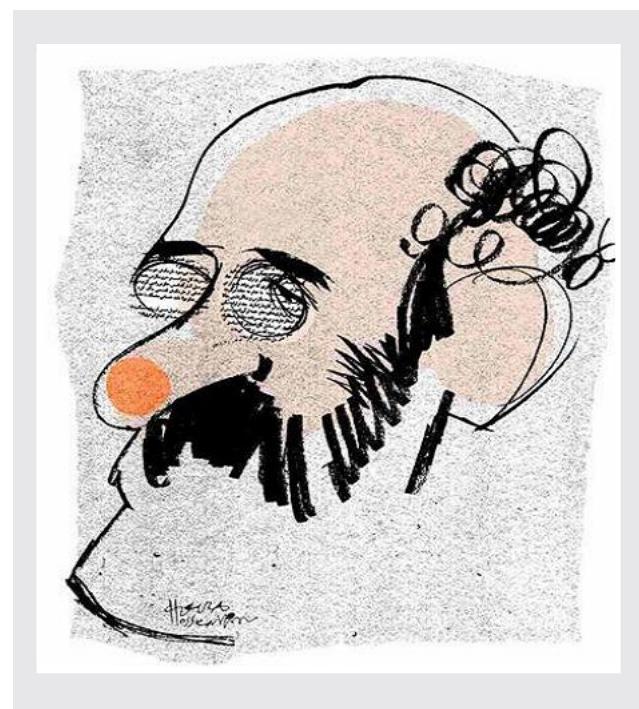
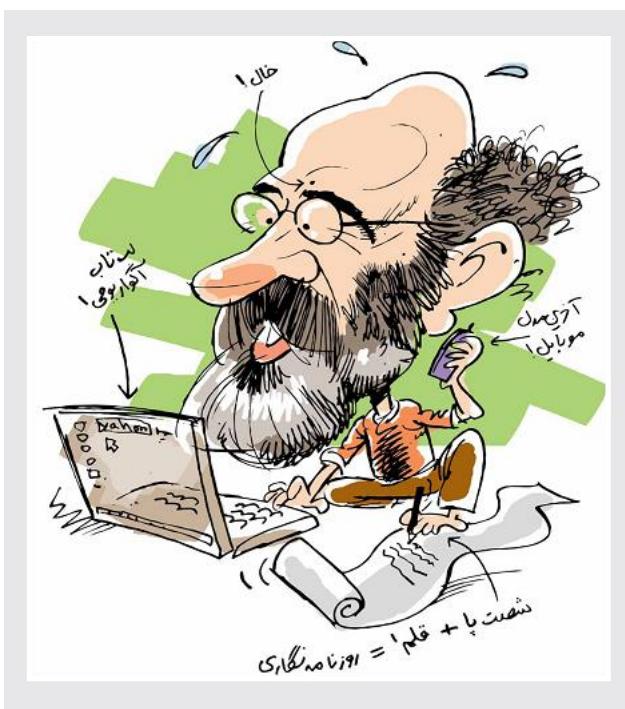
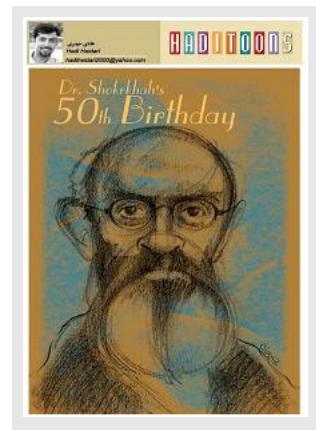
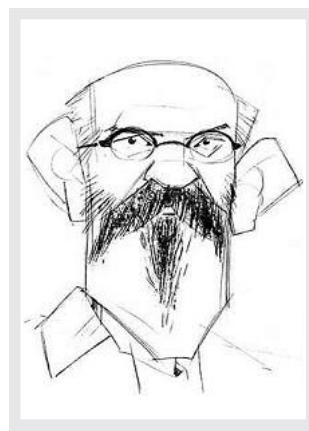
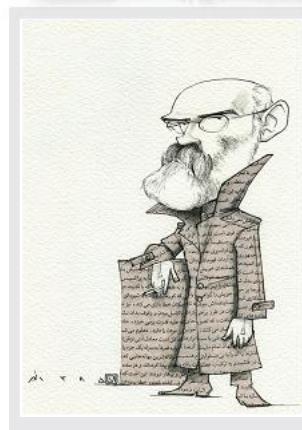
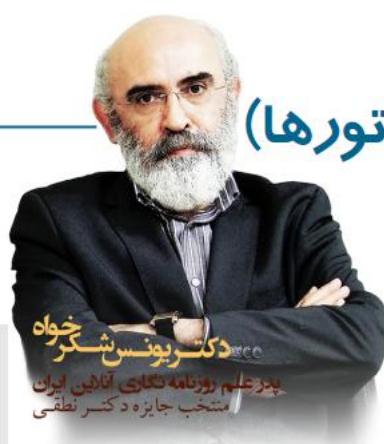
**دکتر یونس شکرخواه**

پژوهش علم روزنامه‌نگاری افاضی ایران  
منتخب جایزه دکتر نظری

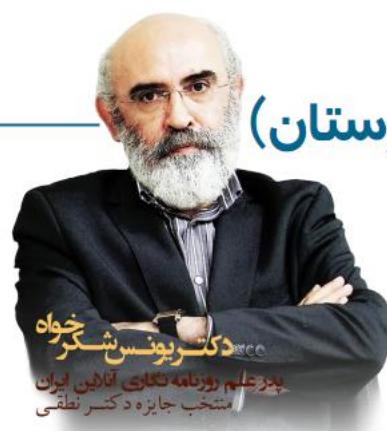




# ○○○○ یونس شکرخواه (کاریکاتورها)

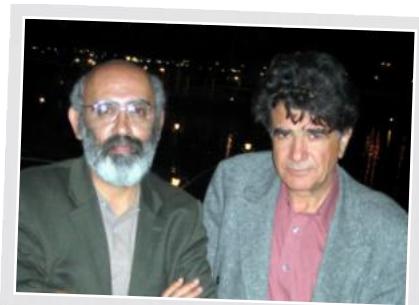
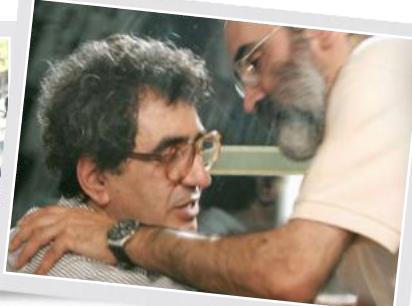
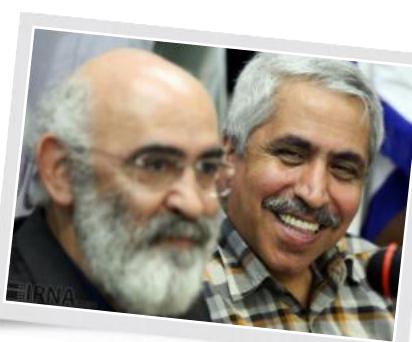






# ○○○○ یونس شُکرخواه (دوستان)

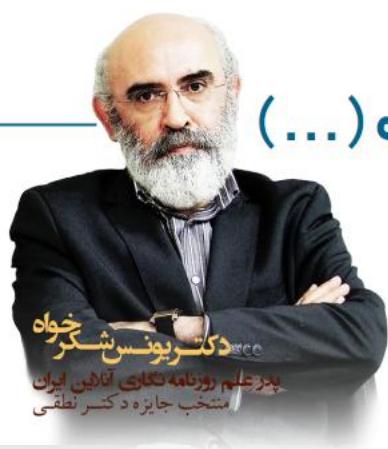






OOOO

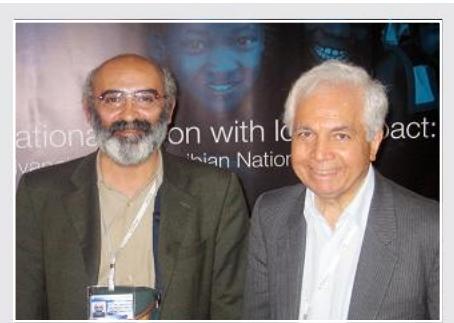
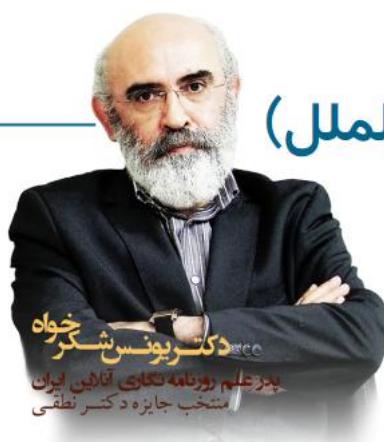
# یونس شکرخواه (...)

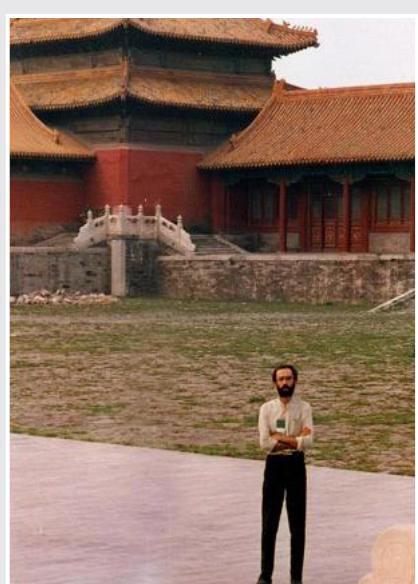
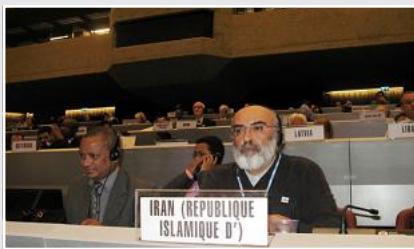


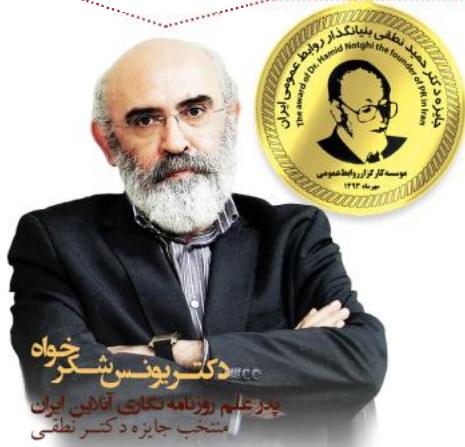




# یونس شُکرخواه (بین‌الملل)







**دکتر یونس شکر خواه**  
پژوهشگاه روابط عمومی ایران  
ستحب جایزه دکتر حمید نطقی

همزمان با پرگزاری یازدهمین کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی ایران

## جایزه بین‌المللی دکتر نطقی به دکتر شکر خواه اعطا می‌شود

●●●

جایزه بین‌المللی دکتر حمید نطقی بین‌المللی روابط عمومی ایران در یازدهمین کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی به دکتر یونس شکر خواه پدر علم روزنامه‌نگاری آنلاین اعطا خواهد شد.

به گزارش مدیرخانه کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی ایران، به منظور تقدیر و تجلیل از خدمات و تلاش‌های علمی و تحقیقاتی دکتر یونس شکر خواه در آینین افتتاحیه یازدهمین کنفرانس بین‌المللی روابط عمومی ایران که در مرکز همایش‌های بین‌المللی المپیک برگزار می‌شود، ششمين جایزه بین‌المللی دکتر حمید نطقی بین‌المللی روابط عمومی ایران به ایشان اعطا خواهد شد.

دکتر یونس شکر خواه، عضویت‌های علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و رئیس موسسه مطالعات اروپا و آمریکای شمالی-دانشگاه تهران است که علاوه بر تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا تا به حال در زمینه‌های ارتباطات، روزنامه‌نگاری آنلاین و روابط عمومی بیش از ۱۵ عنوان کتاب به زبان فارسی، ۱۱ عنوان کتاب ترجمه، ۳ عنوان ترجمه مشترک و ده‌ها مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی را به چاپ رسانده است. آخرین کتاب ایشان تحت عنوان "گرافیک خبری و اطلاع‌رسان" که تحسین منبع فارسی زبان در این زمینه در ایران است به تازگی توسط دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه‌ها در ۲۶۰ صفحه منتشر شد.

دکتر یونس شکر خواه، دارای لیسانس متراجمی زبان انگلیسی، فوق لیسانس علوم ارتباطات و دکتری علوم ارتباطات از دانشگاه علامه طباطبائی است.

وی که فعالیت‌های مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۶۰ با ترجمه مقالات بین‌المللی به روزنامه اطلاعات آغاز کرد، دیری سرویس خارجی و عضویت شورای تیتر روزنامه کیهان را به مدت ۱۶ سال تا سال ۱۳۷۸ به عهده داشته است. عضویت در ماهنامه تخصصی صنعت چاپ و عضویت در شورای سردبیری ماهنامه بین‌المللی میدل ایست پرینتر از دیگر مسئولیت‌های وی بوده است.

دکتر شکر خواه همچنین به دلیل اعتماد جامعه رسانه‌ای ایران به وی در بسیاری از رقابت‌های رسانه‌ای به داوری پرداخته است که از جمله موارد متعدد آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: عضویت در

هیأت داوران جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان، جشنواره مطبوعات ایران، سمینارهای بررسی مسائل مطبوعات ایران، جشنواره‌های نشریات دانشجویی ایران، جشنواره نشریات ادواری، جشنواره رسانه و خبرنگاران حوزه کتاب، رقابت‌های عکاسی مطبوعات شهری، مسابقه سالانه عکاسی مستند ایران، جایزه عکاسی مطبوعاتی کاوه گلستان، نشریات عرصه نسخ خطی و جشنواره برترین روابط عمومی‌های ایران.

افزون بر این، پدر علم روزنامه‌نگاری آنلاین ایران، راه‌اندازی و سردبیری وب‌سایت جام جم آنلاین نخستین روزنامه آنلاین ایران، راه اندازی و سردبیری وب‌سایت همشهری آنلاین، عضویت در شورای راهبردی خبرگزاری ایرنا، عضویت در کمیته راهبری اجلاس آسیا-اقیانوسیه WSIS و عضویت در شورای راهبری ICT اسازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران را در کارنامه حرفه‌ای خود به ثبت رسانده است.

دکتر یونس شکر خواه در عرصه جهانی نیز در سال ۲۰۰۳ در اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی در ژنو (WSIS-Geneva) و در سال ۲۰۰۵ در اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی در تونس (WSIS-Tunis) و نیز در سه نشست مهم فیزیکی سال ۲۰۱۴ در ژنو در مقربه اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دوربرد (ITU) و سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) که به رویدادهای سطح بالای وسیس-۱۰ معروف شده است (The WSIS+10 High-Level Events) ایشان حضور داشته و در روند جهانی مفهوم‌سازی و افزایش سازی برای قطعنامه‌های نهایی شرکت داشته است.

از جمله تلاش‌های وی طی سال‌ها فعالیت خبری بین‌المللی در عرصه روزنامه‌نگاری و آکادمیک نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پوشش خبری مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با سران چین در پکن، پوشش مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با مقامات بلندپایه ژاپن در توکیو، پوشش خبری حضور رئیس جمهور ایران در اجلاس سران OIC در داکار، پوشش خبری مذاکرات رئیس جمهوری اسلامی ایران با سران سودان، تهیه گزارش از شهرهای مدنیه و جده و مکه، پوشش خبری بزرگترین نمایشگاه کتاب در آلمان، پوشش خبری نمایشگاه بین‌المللی چاپ در دبی، شرکت در اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی (عضو هیات علمی همراه سید محمد خاتمی رئیس جمهور پیشین در ژنو)، شرکت در اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی در تونس (عضو کمیته محتوایی و رسانه‌ای)، تهیه گزارش از شهر رسانه‌ای دبی، گفتگو با پژوهشگران در مرکز مطالعات بین‌المللی ژاپن (کیوتو)، شرکت در کنفرانس مطالعات آمریکا و مطالعات ایران، پل زدن میان ملل و رشته‌ها (دانشگاه بیرمنگام)، حضور در نشستهای دانشکده‌های دانشگاهی در شهرهای آمستردام (هلند) و سئول (کره جنوبی).

دکتر شکر خواه در حال حاضر علاوه بر ریاست موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپای دانشگاه تهران، عضو هیات موسس و رئیس انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی نیز هست.

گفتنی است موسسه کارگزار روابط عمومی از سال ۱۳۸۳ جایزه دکتر حمید نطقی بین‌المللی روابط عمومی ایران را در دو سطح ملی و بین‌المللی پایه گذاری کرده و تاکنون این جایزه به پنج شخصیت برگزته نشانی این‌المللی؛ شادروان پروفسور کاظم معتمدزاده پدر ارتباطات نوین ایران (آبان ۱۳۸۳)، پروفسور جیمز گروینگ استاد ممتاز روابط عمومی در گروه ارتباطات دانشگاه مریلند کالج پارک آمریکا و مبدع نظریه "تعالی" (آبان ۱۳۸۴)، پروفسور علی اکبر جلالی پدر علم فناوری اطلاعات ایران (آبان ۱۳۸۸)، پروفسور علی اکبر فرهنگی پدر مدیریت رسانه ایران (آذر ۱۳۹۱) و پروفسور سعیدرضا عاملی استاد ممتاز دانشگاه تهران (۲۳ دی ۱۳۹۳) اعطا شده است.

## در گفتگوی اختصاصی با دکتر یونس شکرخواه منتخب جایزه روابط عمومی دکتر نطقی



●●●●

دکتر یونس شکرخواه، لیسانس متترجمی زبان انگلیسی، فوق لیسانس علوم ارتباطات و دکتری علوم ارتباطات از دانشگاه علامه طباطبایی فعالیت‌های مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۶۰ با ترجمه مقالات بین‌المللی برای روزنامه اطلاعات آغاز کرد. دبیری سرویس خارجی و عضویت شورای تیتر روزنامه کیهان را به مدت ۱۶ سال تا سال ۱۳۷۸ به عنده داشته است. عضویت در ماهنامه تخصصی صنعت چاپ و عضویت در شورای سردبیری ماهنامه بین‌المللی میدل ایست پرینتر از دیگر مسئولیت‌های وی بوده است. دکتر شکرخواه با بیان اینکه روابط عمومی یک فلسفه است و تا زمانی که به این فلسفه اعتقاد نداشته باشیم نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم، روابط عمومی را زمانی معنادار می‌داند که ما از روابط فردی و بین فردی خود یک درک عمیق داشته باشیم و با آن می‌توانیم به سراغ داستان روابط عمومی رفت. روابط عمومی حقیقت واقعی بیرون زندگی است. روابط عمومی امروز یک راز بیشتر ندارد و آن هم شفاقت است. این گفت‌و‌گو بهانه‌ای شد تا با پدر علم روزنامه‌نگاری آنلاین ایران بیشتر آشنا شویم:

هر موقعیتی باشد، یک عالم روشی دارید که باید به کجا بروید. شاید ایشان در حیات خود نیز مانند یک یادبود بود که بعد از مرگ ایشان، ما خیلی چیزها را از دست دادیم. مدیریت، ژرف‌نگری، ارتباط داشت را با کش روزمره خودمان، آن نگاه عمیق و رادیکال به تحولات را از دست دادیم. ولی ایشان مانند هر معلم دیگری راجع به شاگرد خود حرف زده است، بالاخره همه مردمیان به خصوص شنا یک روزی به شاگرد خود می‌گویند که دست خود راز کنار استخر رها کن. این حرف‌ها برای آن زمانی است که اطمینان دارند فرد می‌تواند به تنهاش شنا کند. من از دکتر معتمدنژاد یاد گرفتم که یک معلم خوب همیشه باید خود را در رابطه تعلیم و تعلمی نگه دارد. به این معنا که بپذیرد هنگامی که وارد کلاس می‌شود، باید اندوخته و داشت خود را از ارائه دهد و همان لحظه نیز باید یاد بگیرد. من تردید ندارم که در وجود هر آدمی چیزهایی برای یاد گرفتن است و در لحظه همگی شاگرد هستیم. اگر ده کتاب

آقای دکتر شکرخواه بهتر است با جمله پرسفسور معتمدنژاد درباره شما شروع کنیم که گفته بودند دکتر شکرخواه تنها استاد پیشگام روابط عمومی الکترونیک نیست، بلکه ایشان استاد پیشگام روش تحقیق نیز هست. ایشان استاد گفتمان تحلیل اقتصادی نیز هست. بنابراین چون مرحوم معتمدنژاد به گردن تمامی افراد در حوزه روابط عمومی و ارتباطات به عنوان پدر ارتباطات ایران حق دارند، حال می‌خواهیم بدایم یونس شکرخواه کیست؟ در مورد زندگی، دوران تحصیلی و حرفه‌ای خود بگویید.

با وجود اینکه اکنون دیگر دکتر معتمدنژاد در کنار ما نیست، اما فکر می‌کنم کما کان ایشان مانند یک فانوس دریابی است. یعنی اگر شما در



حاضر یک نرم افزار نویس ماهر است. نرم افزار خبرآتلاین را هم نوشته است بیشتر به برنامه‌نویسی علاقه دارد ولی وب سایت هم طراحی می‌کند.

**آقای دکتر شکرخواه شما را به داشتن دوست‌های زیاد می‌شناسند و با همه طیف‌ها دوست هستید. می‌خواستم بدانم ارتباط شما با دوستان، اساتید دانشگاه و دانشجویان که بسیار شما را دوست دارند، چگونه است؟ تفاوت رفتاری با این رفاقت‌ها چیست؟**

این از سؤالاتی است که قلب و مغز انسان را با هم هدف می‌گیرد. زندگی من بسیار ساده است به گونه‌ای که بعضی از تک جمله‌ها ممکن است در آن غوغای ایجاد کند. اهل ادای عارف درآوردن نیستم. زندگی من شاید یک زندگی ولخرجانه باشد. سادگی زندگی من دارای چند کلید واژه است. وقتی شما یک همسر خوب دارید که هیچ خواسته‌ای از شما نداشته باشد و شما را در موقعیت فهم کند، بفهمد که سهیم همکلاسی‌های تو از تو چه مقدار است، سهیم دوستان شما از شما چه مقدار است و آن سهیم را رعایت کند و به شما اجازه دهد تا در دنیاهای متفاوت سیر کنید. اینکه بداند به یک علتی باید در یک ماه چهارم بار خارج از کشور بروم، اینکه بفهمد من با پسرم تنها پدر و پسر نیستیم، بلکه دو تا رفیق هم هستیم، دو آدم در گیر تکنولوژی و وب هم هستیم و شاید با اختلاف سنی که داریم، دوستان مشترکی هم داشته باشیم. این سرمایه بزرگی است. یعنی بابت همه چیز از همسر سپاس گزارم. شاید یک محرك اصلی او است که شما یک یار دارید که از همه جهات شما را درک می‌کند.

نکه دوم غیر را خود دیدن است. امکان ندارد فردی داخل دفتر من در دانشگاه باید که فکر نکنم آن فرزند، مادر و پدر خود من است که دغدغه فرزند خود را دارد. من با این دید به آدم‌ها نگاه می‌کنم. بنابراین به سرعت به آها زندگی می‌شوم و آنها هیچ مرزی را با من احساس نمی‌کند. نمی‌گوییم که باید این گونه باشد، تنها می‌گوییم اگر کسی می‌خواهد در ردهایی که در ماسه است و هر لحظه ممکن است آب این ردهای را بشویید، را دنبال کنند، فرمول آن این

است: در اتفاق خود را باید باز بگذارید، اینکه پشت در دفتر می‌زنیم ساعت‌های رته‌ها را بشویید، را دنبال کند، فرمول آن این است: آب این کلمات و ارقام است و هر لحظه ممکن است آب این ردهای را به این‌ها حتی برای دانشجویی که نتوانسته مقاوم خود را به موقع برساند را توبیخ نمی‌کنم و می‌گوییم من وقت مطالعه مقاوم را نداشم. باید دست او را گرفت زیرا او نیز روزی معلم می‌شود و باید این کار را انجام دهد. من غیر را خود می‌بینم.

شاید اصلاً آسان نباشد ولی من عادت کردم. آن رانده تاکسی که در کنارش می‌نشینم، فکر می‌کنم پدر خودم است که محتاج یک کلمه آرام‌کننده، سلام کردن و محبت است که شب هنگامی که منزل می‌رود کمی انرژی برای خانواده خود داشته باشد. بنابراین این نوع نگاه یک فاکتور برای تسهیل ارتباط است. دومن مسئله این است که به همه شرافتم قسم می‌خورم، هیچگاه به جلو نگاه نکردم بلکه به پشت سر نگاه می‌کنم که چه چیزی از خود بر جا می‌گذارم. آرزوهای عجیب و غریب برای خودم درست نکردم. به این نگاه می‌کنم که وقتی از جایی بیرون می‌روم چه سنتی از خود بر جای گذاشتم. بنابراین شاید متهم شوم به اینکه شاید عقل معاشر و اقتصادی و برنامه‌ریزی دراز مدت برای آینده زندگی ندارم. بنابراین برای نتیجه‌گیری باید بگویم که یک محرك

در مورد کارهای دانسته و نادانسته من بنویسند، احساس می‌کنم آن کتاب حکایت از یک پله می‌کند و اگر هوشیار باشم باید به این فکر کنم که پله‌های طی نشده در کجا هستند. بنابراین من مثل یک گوهر در کلکسیون خاطرات خود حتی تعرض استاد معتمد نژاد را حفظ کنم، ولی این هوشیاری را داشتم که هیچ وقت نقطه شروع دوباره است. مانند اولین سلام برای برقراری ارتباط بسیار سخت است و خداخافظی هم سخت است. به هر حال ما با دکتر خداخافظی کردیم و دیگر دکتر در جمع ما نیست ولی خدا کند از همان سلام اول که از روی دقت، عشق و علاقه به ایشان کردم، جوانه این سلام خشک نشود.

در مورد وضعیت زندگی نیز متولد مشهد هستم و هر وقت با دوستان نزدیک خود مواجه می‌شوم، به طور خود کار لحن بیانم به زبان مادری تغییر می‌کنم. به لحاظ تحصیلات نیز ایندادی خود را در همان شهر مشهد، در محله قدیمی و مرکزی شهر که دو سینما و باعث ملی نزدیک محله ما بود و در مدرسه‌ای به نام صاحف درس خواندم. دبیلم خود را از دبیرستان این‌یمین که اکنون به نام شهید حکمت تغییر نام گرفته، گرفتم. بعد از دبیلم در هند مدتی جامعه شناسی و بعد سینما خواندم. سال ۵۲ که انقلاب شد به ایران برگشتم و درس را ادامه ندادم و در مدرسه‌های عالی ترجمه تهران قبول شدم. از آن سال تاکنون حدود ۲۲۵ سال است که در تهران زندگی می‌کنم و در همین جا ازدواج کردم، فوق لیسانس و دکتری خود را گرفتم. فوق لیسانس و دکتری خود را علوم ارتباطات در دانشگاه علامه خواندم و بعد از آن مدرس دانشگاه تهران شدم. در مورد روزنامه‌نگاری دو نفر نقش کلیدی داشتند که باعث شدند من وارد این فضا شوم. تعطیلات دانشگاه بود و من در یک مدرسه در قله‌ک تهران تدریس می‌کردم، در آن زمان یک همکار داشتم که معلم امور تربیتی و دینی به نام آقای دکتر هادی خانیکی بود. من در آن زمان تایمز و نیوزویک و نشریات وقت را می‌خواندم، ایشان از من پرسیدند با این نشریات چه کار می‌کنی؟ گفتم اینها را می‌خوانم. پرسیدند بعد از آن چه کار می‌کنی؟ گفتم بعد دور

## ○○○●

**اگر کسی می‌خواهد در ردهایی که در ماسه است و هر لحظه ممکن است آب این ردهای را بشوید، را دنبال کند، فرمول آن این است: در اتفاق خود را باید باز بگذارید، این است: در اتفاق خود را باید باز بگذارید، اینکه پشت در دفتر می‌زنیم ساعت‌های اداری اینکه پشت در دفتر می‌گذاریم، اینکه پشت در دفتر می‌گذاریم، تنها شوخی زمانه و جادوی کلمات و ارقام اینست و من پاییندی به این‌ها حتی در داشته. ولی آنقدر خوشحال شدم که با همه تماس گرفتم تا بگویم مطلب من الیه با نام یونس-شکار**

شده. دو سال بعد آقای خانیکی به روزنامه کیهان رفت و از من هم درخواست کرد تا به آن روزنامه بروم و در آنجا به بخش سروپس بین الملل رفتم. دبیر فرهنگی و بین الملل آن زمان روزنامه کیهان آقای فریدون صدیقی بود. دو ماه بعد به من حکم دبیری و عضویت اتاق تیتر دادند و عضو شورای تیتر روزنامه شدم. در آن زمان فریدون صدیقی، مهدی فرقانی، منصور ریسی‌صدری و اعضای شورای سردبیر وقت عضو اتاق تیتر بودند. از آن به بعد دبیر بین الملل شدم و تا ۱۶ سال در آن روزنامه کار کردم.

**تا از موضوع زندگی دور نشدم، صحبتی هم از میلاد پستون کنید.** میلاد تنها فرزند من است که لیسانس و فوق لیسانس را هتلداری می‌خواند. اما از آنجا که روحیات و علایقمان شبیه به هم هست، در حال

خود دانلود کنید و بر روی هر مسند مای گرفتید، تاریخچه آن را بگوید و راهنمای تور نیاز نباشد. به گونه‌ای که آن نرمافزار موزه را اداره کند. یک مجتمع تجاری بزرگ ترجیح می‌دهد شما یک نرمافزار داشته باشید زیرا می‌خواهد نگهبان را حذف کند. من سعی کردم همیشه مانند یک دیده‌بان تحولات تازه را در رسانه، روزنامه‌نگاری و فضای روابط عمومی دنبال کنم. خاطرمن است، اولین باری که راجع به روابط عمومی دیجیتال صحبت کردم، یک تلخی، واکنش‌های تند و برداشت‌های عجیبی صورت گرفت که چرا گفتم این نسل فرش زیر پای شما را می‌کشد زیرا آنها فکر می‌کردند روابط عمومی همان روابط عمومی سنتی است. یادم هست که در همان روز بحث ۲۴ ساعت در هفته روز هفته را مطرح کردم که اگر نتوانید ۲۴ ساعته سرویس دهید، حذف می‌شوید. اکنون یک دهه از آن صحبت‌ها گذشته و ما شاهد یک جشنواره در رابطه با روابط عمومی دیجیتال هستیم و به هر حال مسیر شروع به حرکت کرد. آخرین بار که یک خبرگزاری از من پرسید نظر شما راجع به سافت چیست؟ گفتم یک چیز مزخرف است و اصلًا اشتباه کردم که راجع به سافت نیوز گفتتم. ولی یک جمله بگوییم که آب زیر کاه است. هر کسی هر چیزی می‌نویسد حتی داستان هم باشد می‌گوید، سافت می‌نویسند و راه آن را پیدا می‌کنند و در مورد آن کتاب می‌نویسند. اما یک موضوع که باید مطرح کنم این است که من اصلاً آسمانی رفتار نمی‌کنم، واژه‌هایی را که آوردم در گزند مطلق با واقعی و اتفاقات روز زندگی روزنامه‌نگاری بوده است. تفکر من انضمای مطلق است. یعنی اگر فکر من به جایی منضم نشود، فکر می‌کنم باید آن فکر را دور ریخت. بنابراین من با نگاه انضمای کار کردم. امروزه با افتخار می‌گوییم اگر سایت‌های فارسی زبان خارجی را در حوزه خبری نگاه کنید، می‌بینید چه کسی چانک نویسی را در حوزه آنلاین بسab کرد. من با قدرت می‌گوییم که این کار را در ایران انجام داده‌ام، اما انضمای بود. بهتر است برای برخی مخاطبان که شاید کمتر با این حوزه آشنا باشند بگوییم که برخی مواقع می‌بینید کلماتی هایپر می‌شوند و شما روی آنها کلیک می‌کنید و توضیحات اضافه‌ای مانند پاورقی در کنار آن کلمه می‌بینید، به آن چانک می‌گوییم.

شاید منطق‌های قوی چانکی، ویکی‌پدیا باشد که شما از یک کلمه به سراغ یک پرونده مربوط به آن کلمه می‌روید. من در همشهری آنلاین چانک نویسی آنلاین را هشت سال است که باب کرده‌ام. امروز هنوز وب‌سایت‌های خارجی نمی‌توانند چانک ایجاد کنند. اما ادای چانک را در می‌آوردم و کلمه را زیر جستجو می‌برد. برای مثال کلمه فرانسه را جستجو می‌کند اما پرونده‌ای برای این کلمه ندارد. در همین سایتی که اکنون کار می‌کنم، با بچه‌های این مملکت، با افرادی که از روزنامه‌نگاری چاپی به روزنامه‌نگاری آنلاین ورود پیدا کرده‌اند، این کار را انجام دادیم و در حال حاضر چیزی حدود ۸ الی ۹ هزار چانک تولیدی ویژه خودمان داریم. بنابراین با فکر انضمای خیلی کارها می‌توان انجام داد. آن مفاهیم جدید به هیچ عنوان تحمیلی نبودند، بلکه من آنها را ملموس کردم. اگر می‌گوییم سافت نیوز از طرفی دیگر می‌گوییم فریدون صدیقی ۲۰ سال است که سافت می‌نویسد ولی هنوز کسی کار او را نخوانده و تشخیص داده نشده است. بنابراین شاید آن مفاهیم هم برای ما نو بوده باشد، اما من این مفاهیم را با داده‌های یومی خودمان همسایه کرده‌ام. من مفهوم تگ را برای دانشجویان خود فهماندم. شاید این کار خیلی نوآورانه نبوده اما من سه‌م خودم را از نظر تعیین کردم. به این صورت که اگر کسی تولید ترجمه‌ای خوب برای روزنامه‌نگاری ایران می‌کند، باید اجازه دهیم کار خود را از نظر جام دهد. اگر

داخلی دارم که همسر و پسرم هستند، دوم اینکه دیگری را خودم فرض می‌گذارم و هیچگاه مرز نمی‌گذارم. شاید حتی یک نفر هم پیدا نشود که بگوید من یک روز در کارم ناراحت بوده باشم، البته این بدان معنا نیست که من به دنبال شانه‌ای برای گریه کردن نیستم، به این معنا نیست که روزی عزیزم را از دست نداده‌ام، به این معنا نیست که اگر ناراحتی خودم را نشان نمی‌دهم، یعنی نمی‌فهمم یا اگر بیان نکرده‌ام، پس درک نکردم. من هم مثل بقیه هستم ولی همیشه می‌گوییم چرا فرد مخاطب من باید چوب این مطلب را بخورد. چه کسی می‌گویید تلخی دیروز من باید به دیگران سرایت کند، اصلاً چرا باید سرایت کند؟ و سوم اینکه من به پشت سر نگاه می‌کنم و آرزوهایی مدرن امروزی را دنبال نمی‌کنم، بلکه برای من مهم است که چه چیزی از خود برجای می‌گذارم. من دوستان زیادی دارم و نگاه من به آن‌ها برآساس معرفت آن‌ها از اتفاقات روزانه زندگی نیست، بلکه آنچه که در رفاقت برای من ارزشمند است داشتن زبان پاک، سخاوت، بدگویی نکردن، بیان خوب داشتن، بی‌دریغ بودن، یادگیرنده و یاددهنده و در نهایت وجه انسانی بسیار مهم تر از فرمت‌های اجتماعی که در آن قرار می‌گیرند از نظر موقعیت، کار، ساختار و غیره که از نظر من فرعیات هستند.

**اگر بخواهیم به زمان گذشته برگردیم آیا همین مسیر را انتخاب می‌کردیم. لیسانس زبان انگلیسی، فوق لیسانس و دکتری ارتباطات، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگاری و غیره یا تغییر مسیر می‌دادید؟**

سؤال سختی است. از اینکه حرفه‌ای عمل کردم همین راه را انتخاب می‌کردم. حرفه‌ای به مفهوم اخص کلمه یعنی اینکه کار را بلد بودم، به تدریج یادگرفتم، منتقل کردم، به یک نسلی یاد دادم که چگونه این کار را انجام دهنده، تولید ادبیات کردم و حرفی را که زدم به صورت مکتوب درآوردم. اما از جنبه حرفه‌ای اگر دوباره متولد می‌شدم، می‌گفتتم که خوب عمل کردم و دوباره این کار را انجام می‌دادم. یعنی درست عمل کردم. اما اگر کار درست انجام دادم یا نه؟ به این

ترددید دارم. یعنی اگر دوباره به دنیا بیایم آیا همین مسیر را طی می‌کنم، کمی شک دارم. گاهی اوقات به تردید می‌افتم که آیا فضای وب و اینترنت و غیره یک گوسله سامری مدرن است یا نه؟ گاهی اوقات به خودم می‌گوییم که چه دلیلی وجود دارد که می‌خواهم با همه جهان ارتباط داشته باشم؟ یا گاهی اوقات که آواز یک پرنده در جنگل می‌تواند راه شما را سد کند و شما به دنبال آن بگردید، دیگر چرا باید در وب بود؟ اما معلمی را دوست دارم و اگر قرار باشد دوباره به دنیا بگردم، دوست داشتم معلم دبستان شوم زیرا دنیای بچه‌ها پاک‌تر است.

**آیا در روزنامه‌نگاری و روابط عمومی تغییری ایجاد شده است.**

**دیدگاه شما در این زمینه چیست؟**

شاید در یک جمله بتوان گفت که در برخی از مفاهیم نو نقش داشتم. یادم می‌آید زمانی که راجع به سافت نیوز نوشتیم، سر و صدای عجیب و غریبی شد. سافت نیوز یک گزارش یا خبر نرم است. یا راجع به روزنامه‌نگاری آنلاین یک مقاومت‌های شدیدی بود ولی اکنون می‌بینید که یک تحریریه مستقل ۳۰ نفر در این زمینه کار می‌کنند. من معتقد هستم که آینده دنیا اقتصاد نرم‌افزارها است. به این معنا که اگر شما بخواهید برای دیدن یک موزه هم بروید، آن موزه می‌خواهد خود را از نظر کارکنان کم حجم کند، ترجیح می‌دهد که یک نرم‌افزار راهنمای شما باشد به گونه‌ای که هنگامی که وارد موزه می‌شوید، آن نرم‌افزار را در موبایل



افرادی حتی ده دقیقه نیز به طول نیانجامد.

### | به همین دلیل است که بیشتر در دنیای مجازی هستید؟

خبر. دنیای مجازی مزایا و معایبی دارد. از بابت این که ما را قید زمان نجات می‌دهد بسیار عجیب است. برای مثال دانلود یک کتاب از کتابخانه سیدنی در ساعت ۳ شب هنگام تعطیلی یا انتقال پول در زمانی که بانک‌ها تعطیل هستند، همگی نشان دهنده خرید زمان است که فوق العاده جذاب است که این مسائل در فضای وب فوق العاده است. اما از طرفی دیگر غربت‌های عجیبی ایجاد می‌کند. یعنی زمانی که بتولید زمان و مکان را تسخیر کنید، حال فلسفه زندگی است که چهار تغییرات می‌شود. حال باید دید چه مقدار وقت برای خانواده، دوستان و حتی خودمان می‌گذریم. بنابراین فضای وب از جهاتی سرشار از فرست و از جهاتی دیگر سرشار از مخاطره است. ما در ایران در گیر یکسری لجبازی‌هایی هستیم با این ترتیب که فکر می‌کنیم برخی افراد موافق و برخی دیگر مخالف اینترنت هستند. ولی از نظر من این‌ها دو گروه جدا از هم نیستند، بلکه دغدغه‌های توأم دارند. ولی این پدیده‌ای است که وارد زندگی ما شده است و ماز آن استفاده می‌کنیم. باید پذیرفت که مانند گذاشتن کامنت همه در این زمینه فعالیت می‌کنند اما حاصل جمع این کامنت‌ها صفر است. تنها با قابلیت حذف کارهای موژی و همزمان، حذف زمان و مکان است که می‌توان گفت در وب اتفاقات بزرگی رخ داده است.

### | آقای دکتر موقعی که می‌خواهید مطلبی را دانلود کنید و دانلود

نشود، عصبانی می‌شوید؟

صادقانه بگوییم من متأسفانه در تست اعتیاد شاگرد اول بودم. عصبانی می‌شوم و به هم می‌ریزم و نمی‌دانم چرا همیشه می‌گوییم اینترنت نفتقی، حال ربط آن با نفت چیست و از کجا به ذهن من آمده است را نمی‌دانم. البته چون چند IP دارم و این بدليل اقتضای شغل است، به هر طرقی مشکل را برطرف می‌کنم. البته از این مسئله راضی هستم. چون امروزه حتی در مهمانی‌ها همه در گیر لاین و شبکه‌های اجتماعی هستند، ولی نوبت به من که می‌رسد یک دلیل خوب دارم و آن اینکه اقتضای شغل و حرفة‌ام است که همیشه در ارتباط باشیم. البته واقع امر این است که آن‌ها درست می‌گویند.

### | آقای دکتر فضای مجازی را بیشتر دوست دارید یا فضای فیزیکی را؟

به نظر می‌رسد برای سن من رابطه‌ای دو سویه وجود دارد. به این معنا که برخی مواقع چیزهایی را از فضای مجازی می‌خواهیم که به موقع از آن دریافت می‌کنیم و برخی مواقع نیز چیزهایی را از فضای واقعی می‌خواهیم که به موقع سراغ آن‌ها می‌روم. ولی برای دانشجویان من این‌گونه نیست آنها بیش از اندازه در گیر فضای مجازی هستند. اما یکبار زمانی که به مشهد سفر کردم، تصمیم گرفتم که ایمیل‌ها را چک نکنم و زمانی که برگشتمن با اختراضات بسیاری روپروردم.

### | آقای دکتر شکر خواه بیشتر مردم و دوستان شما می‌خواهند بدانند که عوامل موفقیت شما چه چیزی بوده است که شما در هر حوزه‌ای برای مردم الگو هستید. مهمترین ویژگی‌هایی که دارید چیست؟

شاید بتوان به آن دلیل راه گفت. در زمان قدیم کاروان‌ها برای این که مسیر خودشان را گم نکنند، سنجک‌هایی را روی هم می‌چینند و به آن سنجک‌ها دلیل می‌گفتند. شاید به عنوان دلیل راه چند عامل خیلی مهم وجود دارد. اولین عامل، خانواده است. یعنی پدر و مادری که با آن‌ها زندگی می‌کنند، چیزهای زیادی از آنها فرا می‌گیرند. این خیلی کلیدی است که آنها بی‌حب و بغض باشند، بی‌دریغ باشند، صادقانه زندگی کنند.

کسی مانند سید فرید قاسمی به دنبال پیشینه مطبوعات ایران است. آقای مسعود محراجی، یاری و گلمکانی با مجله فیلم دانشگاه فیلم در ایران راه‌اندازی کردند، باید دست آن‌ها را بوسید. من هم در کنار آنها فکر کردم که این مفاهیم بو را بومی‌سازی کنم.

| آقای دکتر شما مفاهیم جدیدی را در حوزه روزنامه‌نگاری، تکنولوژی‌های نوین مانند سایبر، روابط عمومی دیجیتال باب کرده‌اید و مردم هم خیلی خوب از آن‌ها استقبال کردند. آیا در روزنامه‌نگاری سایبر و روابط عمومی دیجیتال که حدود ۱۰ یا ۱۵ سال پیش مطرح کردید، دیدگاه و پیش‌بینی شما همان چیزی است که در آن سال‌ها گفته‌اید، یا اکنون در تحلیل‌های خود تغییراتی ایجاد شده است؟

روابط عمومی آنلاین، دیجیتال و هر آنچه که اسم آن را می‌گذارید، بزک نیست بلکه فلسفه است. شما می‌توانید من عامی و بی‌سواد را با آخرین تکنولوژی‌ها از ساعت مچی اپل که چند روز پیش رونمایی شد تا دوربین و عینک دیجیتال و لباس هوشمند مجهز کنید. اما من نمی‌توانم از آن‌ها استفاده کنم، زیرا شما آن‌ها را به صورت تزیینی به من دادید. اگر خاطرتان باشد گفته که روابط عمومی آنلاین یا دیجیتال یک فلسفه است و اگر شما به این فلسفه مؤمن نباشید، کاری نمی‌توانید انجام دهید. ادارات را پر از کامپیوتر، کابل و داکت می‌کنید، اما هیچ اتفاقی نمی‌افتد. کسی باید نترسید و پا جلو بگذارد و کاری انجام دهد. من در ترم روابط عمومی حرف تلخی زدم که اکنون تکرار می‌کنم: روابط عمومی‌ها در ایران مشکل روابط عمومی دارند. هنوز هم معتقد هستم مشکل روابط عمومی دارند چرا که اگر مشکل روابط عمومی نداشته باشد ما اکنون ۱۰ نهاد روابط عمومی نداشتم. روابط عمومی فرقه اسماعیلیه نیست که فرقه خود را درست کند. روابط عمومی می‌توانست یک اتحادیه بزرگ داشته باشد. من حتی با خود کلمه روابط عمومی مشکل دارم. روابط عمومی فیلم، بازی و اجرا نیست بلکه چیزی است که باید به آن باور داشته باشید. در سینما بین نقش و تیپ تفاوت معنایی قابل می‌شویم. روابط عمومی زمانی شکل می‌گیرد که فرد روابط فردی، درون فردی و میان فردی را بداند و جوهره آن صداقت است. روابط عمومی زمانی معنا دارد که ما از روابط فردی و بین فردی خود یک درک عمیق داشته باشیم و با آن می‌توانیم به سراغ داستان روابط عمومی رفت. روابط عمومی حقیقت واقعی بیرون زندگی است. روابط عمومی امروز یک راز بیشتر ندارد و آن هم شفافیت است. اگر شما شیشه روش‌نی برای سازمان یا نهادی باشید که در آنجا کار می‌کنید و بگویید که سازمان من ۸ نقطه قوت و ۱۱ نقطه ضعف دارد، در آن صورت به آن حقیقت‌گرایی می‌گوییم. در این صورت است که می‌توانید به خوبی ارتباط برقرار کنید، زیرا این ارتباط بر مبنای وضوح و شفافیت صورت می‌گیرد. بنابراین بهتر است یک بازنگری در فلسفه روابط عمومی داشته باشیم. حال اگر در کنار آن تکنولوژی و نرم‌افزار هم باشد بهتر می‌شود. چه کسی می‌گوید حتی با ترجمه ادبیات روابط عمومی به روابط عمومی رسید. چه کسی می‌گوید ما برای هر جایی روابط عمومی می‌خواهیم. مانند آن است که بگوییم ما برای همه جای ایران فدراسیون اسکی می‌خواهیم. به نظر من موقوفیت‌ها از جایی شروع شده که به واقعیت متصل شده است. باید به عقب برگشت و دید که چرا آثار موفق این گونه بوده‌اند. آن‌ها به زمان گره خورده‌اند. بنابراین اگر ما به فکر انضمامی عادت کنیم، فکر می‌کنیم کار جلو خواهد رفت.

| آقای دکتر چه کسانی شما را ناراحت می‌کنند؟  
افرادی که برای من نقش بازی می‌کنند. استانداردهای دوگانه دارند. و آنmod می‌کنند و خودشان نیستند. باور کنید شاید گفتنگوی من با چنین

من شیرین بود، زمانی بود که توانستم در پاسخ به حملات عراق برای اولین بار به عراق موشک بزنیم، تیتر این بود «شلیک به قلب عراق». آن روز یکی از روزهایی بود که آن تیتر را با جان و دل زدیم. یکی دیگر از تیترهای شیرین، «خونین شهر با آخرین فشنگها مقاومت می‌کند» بود و یکی از سخت‌ترین شب‌ها نیز شبی بود که امام خمینی (ره) فوت کرده بودند. شب ساعت ۷ ما را صدا کردند و با وجود اینکه می‌دانستیم چه اتفاقی افتاده است، کار خودمن را می‌کردیم زیرا اصلاً باور نمی‌کردیم و فردا صبح وقتی که خبر از رادیو پخش شد، همگی گریه کردند. هیچ تجربه‌ای به این سختی نبود. خاطرم است سید غلامرضا موسوی دنبال من به درب منزل آمد و دیدم که لباس مشکی پوشیده است. از او پرسیدم چرا لباس مشکی پوشیدی، در پاسخ گفت یکی از اقوام همسرم فوت کرده و وقتی با هم به سمت تحریریه رفتیم، گفتم فکر کنم امام فوت کردند. صبح وقتی آقای حیاتی خبر را خواندند، تمام تحریریه منفجر شد و همه گریه کردند. همه چیز در کشور تعطیل شده بود، بنابراین به همراه بچه‌های تحریریه ویژه‌نامه‌ای را که کار کرده بودیم، با ماشین در سطح شهر پخش کردیم. این خاطره را هیچگاه فراموش نمی‌کنم که از ساعت ۷ بعدازظهر روی ویژه‌نامه‌ای کار کرده بودیم که هیچ کدام تیتر آن با عنوان «روح خدا به خدا پیوست» را باور نمی‌کردیم.

### آقای دکتر مهمترین ویژگی یک روزنامه‌نگار یا سردبیر از نظر شما چیست؟

دانسته‌های تکنیکی خیلی ضروری است. یک سردبیر باید صورت‌بندی‌های مختلف را کار کرده باشد. یک سردبیر حرفه‌ای به فراخور موضوع، تیتر می‌زند و به صفحه وزن می‌دهد، رویدادی را تعقیب و موضوعی را نقد می‌کند. بنابراین اگر سردبیری را نسبت به مسائل اطراف خود رئال نباشد، هیچ‌گاه سردبیر خوبی نمی‌شود. یک سردبیر خوب باید رئال باشد، گُرگرفته نباشد، به جریان انتشار بیشتر از حرف و رفتار خود فکر کند. سردبیر وظیفه دارد تیم را به هدف برساند. دانسته‌های تکنیکی برای یک سردبیر بسیار لازم است. به این معنا که یک سردبیر باید بتواند مانند یک خبرنگار بنویسد، گزارش بگیرد و صفحه بنند.

**ویرایش یک مطلب چه تأثیری در روزنامه‌نگاری دارد؟**

ویرایش یک مطلب نیز همانظور که گفتم بسیار مهم است، ولی یک سردبیر خوب ویرایش قبل از تولید می‌کند. آن ویرایشی که رمزگشایی از مطلب می‌کند، کار هر ویراستاری است. اما سردبیر حرفه‌ای ورود و خروج مطلب را قبل از تولید، ویرایش می‌دهد. به این معنا که هم ویرایش مضمونی و هم ویرایش واژگانی را انجام می‌دهد. ولی در ایران چون کمی ادیتور نداریم همه چیز بر عهده سردبیر است.

### آقای دکتر ویژگی یک روزنامه‌نگار و سردبیر را فرمودید. حال

#### ویژگی یک استاد دانشگاه از نظر شما چیست؟

یک استاد دانشگاه باید مردم عمل و نظر باشد. در حوزه عمل اگر راجع به یک وب‌سایت Responsive صحبت می‌کند، باید این واژه را بداند، اگر از زبان جوان حرف می‌زند، باید بداند زبان جوان چیست. در حوزه نظر نیز باید آدم روزآمدی باشد. یعنی نمی‌تواند دانسته‌های یکسانی را انتخاب و آن را در چند ترم تکرار کند. من در مورد خودم عرض می‌کنم، هیچ ترمی طرح درس و مطالب من یکسان نیست. کنش و نظر مانند دو بال برای یک

به داشته‌هایشان ببالند و به نداشته‌ها معترض باشند. خوشبختانه من در یک چنین خانواده‌ای بزرگ شده‌ام. به عنوان مثال یکی از ویژگی‌های مادرم این بود که وقتی فردی از وسیله‌ای در منزل ما خویش می‌آمد، مادرم آن وسیله را به خود آن فرد می‌داد. یکی از دوستان نیز در مورد من چنین حرفی زد. در آنجا متوجه شدم که من تاکنون به یک چنین رفتاری فکر نکرده بودم که این رفتار من تحت تأثیر مادرم بوده است. دومین مرحله این است که وقتی فرد وارد فاز اجتماعی شدن می‌شود، معلم‌ها، دوستان و اطرافیان تأثیرگذار می‌شوند. من موفقیت خود را مدبون مجموعه نفیسی از دوستان هستم که با آن‌ها تعامل دارم. این موفقیت مانند بدزی است که نیازمند آب و خاک مناسب است. اگرچه در ذات آن رشد و تولد هست، اما نمی‌توان بدزی را در یک محیط خشک پرورش داد. بنابراین نگاه ما باید به موفقیت یک نگاه فراتر باشد. من خانواده، دوستان و محیط اجتماعی را در موفقیت بسیار مهم می‌دانم. اما در مورد عوامل فردی، پشتکار بسیار مهم است و مطمئن باشیم که زمان به سرعت می‌گذرد و اصلاب نمی‌گردد. بنابراین بخشی از تمرکز روی کار و بخش دیگر آن قدر دانستن ثانیه‌ها است. اگر فکر کنیم که زمان در حال از بین رفتن است، قدر زمان را بیشتر می‌دانیم. سومین فاکتوری که توصیه می‌کنم، یک جمله از یک ناشر ایتالیایی است که ترجمه جمله این بود که «آهسته شتاب کن»، این جمله برای من بسیار آموزنده بود. ضمن این که می‌دانم زمان بسیار مهم است، اما اصلاحی گدار به آب نمی‌زنم. برای مثال وقتی فردی مطلبی می‌نویسد که به دلیل ملاحظه‌هایی که حق من به عنوان سردبیر است، نمی‌خواهم آن را کار کنم، می‌گوییم این مطلب را دوباره بنویس، چرا که مطلب تو می‌تواند روند انتشار را اختنا کند ولی تو قرار است تکوین این پدیده‌ای را که نوشتی مختلط کنی زیرا این پدیده را ناٹواب می‌دانی، صفت‌ها را حذف کن، هر کجا که عصبانی هستی، یک لیوان آب بنوش، دوباره بنویس و همان حرف را بزن. نکته آخر این است که من به آدم‌های اطراف خود مانند یک جهان کشف نشده نگاه می‌کنم و به این مسئله عادت کرده‌ام. من فردی که چای برای من می‌آورد را زیر نظر می‌گیرم، زیرا ممکن است یک تکیک از آن فرا بگیرم. این دقت به آدم‌های اطراف به شما خیلی چیزها را می‌آموزد. بنابراین یک ترکیب و آمیزه است. دقت به آدم‌ها یک مدل بایی است. حرف آخرم این است که باید به آدم‌هایی دقت کرده و نزدیک شد که صدای عمل آنها از حرف‌هایشان بلندتر است و در عمل خودشان را اثبات می‌کنند. در کنش‌ها همه مردم عادی هستند، اما باید در واکنش‌ها آن‌ها را شناخت. بنابراین در واکنش‌ها هم می‌توان موفقیت‌ها را دید.

### آقای دکتر یک خاطره جالب از روزنامه‌نگاری برای ما تعریف کنید.

خاطره‌های شاد و غمگین زیاد است. اما یکی از خاطره‌هایی که برای من عجیب بود این است که یک روز در اتاق تیتر بودیم، اتاق تیتر روزنامه کیهان نیز یک اتاق اسطوره‌ای بود. یک روز نیتری در باره ربوه شدن یک هوایپیما زده شده بود، مدیر مسئول وقت هم قرار بود که بگوید کدام تیتر بهتر است. وقتی تیترها را خواند با این مضمون که «هوایپیمای ایرانی روی باند فرودگاه تهران ربوه شد» که این امکان پذیر نبود. من خندهم و گفتم آقای صدیقی از این تیترها زیاد می‌زند و مرتب‌آین جمله را تکرار می‌کردم. مدیر هم رعایت می‌کرد و لی در نهایت گفت، آقای شکرخواه این خط شما است و تیتر را شما زدید. جدال تیتر شاید شیرین ترین خاطرات را برای من رغم می‌زد که باید اوج بلوغ حرفه‌ای گری را در غالب یک رویداد در سه یا چهار کلمه در می‌وردیم. یکی دیگر از خاطراتی که برای



باید به آدم‌هایی دقت کرد و نزدیک شد که صدای عمل آن‌ها از حرف‌هایشان بلندتر است و در عمل خودشان را اثبات می‌کنند. در کنش‌ها همه مردم عادی هستند، در کنش‌ها هم می‌توان موفقیت‌ها را دید.



سال‌های سال گذشته و ایده‌ای که مبنای آن آزادی است، همچنان پابرجا است. بنابراین همیشه ارزش‌هایی بوده است و از نظر من حرف اورجینال نیز همیشه خریدار دارد.

**آقای دکتر فضای کاری شما آنلاین است.** به دلیل اینکه بیشتر وقت شما در اینجا می‌گذرد، می‌خواهیم بدانیم فضای کاری چه مقدار برای شما ارزشمند است و شما چه مقدار از آن لذت می‌برید؟ آیا محیط خسته‌کننده‌ای برای شما است یا در واقع عشق واقعی در همین همشهری آنلاین است؟ این فضا را چگونه می‌بینید؟

فضای کاری من در امتداد زندگی طبیعی من است و اصلاً به دید محیط کار نگاه نمی‌کنم. بسیار محیط جذابی است و همکاران بسیار خوبی دارم. ۲۸ نفر در دو گروه کار می‌کنند. هیچ‌گاه سایت تعطیل نشده است مگر یک بار در سال که شاید به دلیل ارتقاء سرور و یا نیاز موتور سایت به تغییرات وغیره باشد. محیطی بسیار زنده، فعلان، همکاران بسیار خوب با یک طیف سنی منطقی و سطح تحصیلات خوب در این مجموعه هستند. تخصص در این محیط بیشتر در حوزه ارتباطات است.

**آقای دکتر تعداد بازدیدکنندگان شما روزانه چه مقدار است؟** رکوردهای که داشتیم در حدود ۷۰۰ هزار بازدید در روز بود. ولی در حال حاضر در کل بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ هزار بازدید داریم. میزان دیده‌شدن صفحات تقریباً بالا است که تا ۷/۵ ۹/۵ صفحه رفته که در حال حاضر ۴۰۰ صفحه برای هر کاربر داریم. در بین وب‌سایت‌های دنیا جزو ۵/۵ میزانی که رفته کم می‌باشد. این را بین ۲۰۰ و وب‌سایت اول هستیم. بالاترین

**آقای دکتر به خاطر وجود آقای دکتر شکرخواه در اینجا مردم به این اعتقاد دارند که مطالب حتماً به روز، آنلاین و مفید هستند.**

خودتان به این دیدگاه اعتقاد دارید؟ شاید مردم من را به نام بشناسند ولی کار، محصول تلاش این ۲۸ نفر است. ولی چون ما از ابتداء آگاهانه روی تگ خیلی وقت گذاشتیم، در نتیجه تگ‌بندی اطلاعات ما بسیار خوب است و ۴۰ حوزه را پوشش می‌دهیم و مجبور هستیم در این ۴۰ حوزه به روز باشیم. ما دو نفر مسئول به روز کردن چانک‌ها داریم. بنابراین به روز رسانی در وب‌سایت ما بسیار مهم است. یک تفاوت دیگر این سایت با دیگر سایتها، داشتن چانک‌های وب‌سایت است که محصول تلاش این افراد است و برخی مواقع من نیز ممکن است یک هدایت‌گری داشته باشم.

**اگر بخواهید اختیارات جدیدی و تغییرات جدیدی در سایت داشته باشید، چه می‌کنید؟**

اول شیفت شب را دایر می‌کنم و دومین کار چند زبانه کردن سایت است که تنها نیاز به تیم و هزینه دارد که پنل ما آمادگی این را دارد. از نظر تکنیکی عقب نیستیم. اگر از چند رسانه‌ای کمتر استفاده می‌کنیم، به دلیل پنهانی باند در ایران است و سرور ما در کانادا است. در حال حاضر نیز سایت ما یک یا دو ماه است که *responsive* شده است.

علم به خصوص در حوزه ICT است. شما باید با کار با این تکنولوژی‌ها آشنا باشید و این مسئله یک کنش‌گری دائمی می‌خواهد. حوزه نظری هم در حوزه ICT بسیار مهم است. زیرا در این حوزه از حوزه عمل به حوزه نظر می‌رسیم. حوزه ICT از محدود حوزه هایی است که نظریه کم می‌آورد. در حال حاضر چه کسی درباره فیسبوک نظریه می‌دهد. من می‌گویم فیسبوک‌ها، فیلسوف‌های مبل شین هستند. شما اثبات کنید که نیستند. بنابراین آنقدر این حوزه سریع و سیال عمل می‌کند، مانند یک توپ کریستال است و هزار بعد از اصلاح گوناگون دارد که تئوری به پای آن نمی‌رسد. زیرا تجارب باید متراکم شود تا بتوان تئوری را از درون آن بیرون کشید. در نتیجه من فکر می‌کنم داشتن این دو پایه ضروری است.

**آقای دکتر فکر می‌کنید اگر لیسانسیه زبان انگلیسی نمی‌شدید،**

ایا باز برای دسترسی به دنیای محاذی موفق می‌شدید؟ بله البته. نه این که بگوییم تنها آن چهار سال اثرگذار بوده است، بلکه آن سال‌ها شروع درستی بود. من افتخار می‌کنم که در آن زمان معلم‌هایی همچون آذر نفیسی، کوروش صفوي زبان‌شناس، دبیر مقدم، دکتر منوچهر حقیقی و دکتر کریمی حکاک بودند که غول‌های وقت زبان انگلیسی بودند. البته من در همان مدرسه عالی ترجمه رمان شمال و جنوب را ترجمه کردم، زمانی که در مازندران بودم، زبان مازندرانی را فرا گرفتم و از راننده ترکی که برای کتاب هفتنه من را سر کار می‌برد، زبان ترکی را نسبتاً فرا گرفتم. من فکر می‌کنم هر زبانی یک رویکرد مختلف یادگیری را به شما می‌دهد. بله زبان انگلیسی بسیار نقش داشته است.

**به نظر می‌رسد جهان آینده متعلق به مغزهای متغیر است.** آقای دکتر آیا این را حس می‌کنید که قدرت در دست افرادی همچون استیو جابز فرار می‌گیرد. دیدگاه شما راجع به این مسئله چیست؟

بله اینکه می‌گویید دوره ایده است، قطعاً می‌توان گفت دوره ایده است. منتها تکنولوژی‌هایی که بوجود آمداند چیزی جز توزیع سریع نیستند. اینترنت تکنولوژی توزیع سریع است و محتوا نیست. این شما هستید که روی آن محتوا می‌ریزید. اینترنت خمیر پیترزا است و این شما هستید که مواد روی آن را می‌ریزید. ما وارد فازی شده‌ایم که ایده قطعه‌ای تولید می‌کنیم. به این‌میل شما ویره شما ارسال می‌کنیم. می‌توان گفت به عصری با عنوان عصر سفارش پذیری برای باور قطعه‌ای رسیدیم. اما سؤال بزرگ‌تر این است که ما وارد سوپر مارکتی شده‌ایم که در آن محتوا می‌فروشند، چگونه از سلامت محتوا اطمینان حاصل کنیم؟ برندگان این دنیا از دید من فیسبوک نیستند چرا که فیسبوک یک فرمت است. حال سؤال بزرگ این است که پس برندگان چه کسانی هستند؟ من می‌گویم برندگان کسانی هستند که جنس اورجینال و نه تقليدي توليد می‌کنند. درست است که ما در حال ساختن یک خانه جهانی هستیم، اما شیشه و آجر داریم به این‌ها نیاز نداریم. شما برای ما قاب پنجره، لوله بخاری وغیره را بیاورید. به این معنی که باید به طور مداوم به مایملک خود تکیه کنید تا برند شوید. اگر ایرانی هستید باید به محتوا ایرانی تکیه کنید. آینده همیشه در دست کسانی بوده است که ایده‌های درست تعریف و پای ایده‌ها عمل کرددند. ما پدیده محروم را همیشه در کشور خودمان داریم، اما آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید با تمام کشته‌هایی که در تاریخ داریم تنها ۷۲ نفر اسطوره عجیبی هستند، زیرا پای ایده خودشان ایستادند و برای آن بها هم داده‌اند و سنت به جا گذاشتند؟

○○○

**اگر ایرانی هستید باید به محتوا ایرانی تکیه کنید.** این معنی که باید قطعه‌ای تولید می‌کنیم. به این‌میل شما ویره شما ارسال می‌کنیم. می‌توان گفت به عصری با عنوان عصر سفارش پذیری برای باور قطعه‌ای رسیدیم. اما سؤال بزرگ‌تر این است که ما وارد سوپر مارکتی شده‌ایم که در آن محتوا می‌فروشند، چگونه از سلامت محتوا اطمینان حاصل کنیم؟ برندگان این دنیا از دید من فیسبوک نیستند چرا که فیسبوک یک فرمت است. حال سؤال بزرگ این است که پس برندگان چه کسانی هستند؟ من می‌گویم برندگان کسانی هستند که جنس اورجینال و نه تقليدي توليد می‌کنند. درست است که ما در حال ساختن یک خانه جهانی هستیم، اما شیشه و آجر داریم به این‌ها نیاز نداریم. شما برای ما قاب پنجره، لوله بخاری وغیره را بیاورید. به این معنی که باید به طور مداوم به مایملک خود تکیه کنید تا برند شوید. اگر ایرانی هستید باید به محتوا ایرانی تکیه کنید. آینده همیشه در دست کسانی بوده است که ایده‌های درست تعریف و پای ایده‌ها عمل کرددند. ما پدیده محروم را همیشه در کشور خودشان ایستادند و برای آن بها هم داده‌اند و سنت به جا گذاشتند؟

# پیام پروفسور کمالی پور به دکتر شکرخواه به مناسبت اعطای جایزه بین المللی روابط عمومی

OOOO●

پروفسور یحیی کمالی پور با ارسال پیامی، اعطای جایزه دکتر حمید نطقی بنیانگذار روابط عمومی ایران به دکتر یونس شکرخواه را تبریک گفت.



**در متن پیام رئیس بخش روزنامه‌نگاری و ارتباطات جمعی  
دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی، آمریکا به پدر روزنامه‌نگاری  
آتلاین ایران آمده است:**

اعطای جایزه دکتر حمید نطقی، بنیانگذار روابط عمومی ایران را به دکتر یونس شکرخواه از صمیمه قلب تبریک می‌گوییم. بیشتر اهالی رسانه و روابط عمومی می‌دانند که دکتر شکرخواه با پیشنازی در عرصه فعالیت در حوزه رسانه‌های مجازی، در راه آموزش و تلاش برای نهادینه شدن این رسانه‌ها نیز تلاش فراوان کرده است.

علاوه بر این، "کدخدای دهکده جهانی" با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌های جدید، نقش موثری در راه پیشبرد اهداف و عملکرد روابط عمومی الکترونیک در ایران داشته است.

اعطای جایزه دکتر حمید نطقی بهانه‌ای است تا ضمن تقدیر از زحمات دکتر شکرخواه، گوشه‌هایی از تلاش‌های ایشان مورد اشاره و توجه دوباره خانواده رسانه و روابط عمومی در ایران قرار گیرد.

آقای دکتر یونس شکرخواه در دوره تدریس و تربیت‌شان هم فوق العاده این روحیه ارتباط‌گری را حفظ کرد. چه زمانی که در مرکز رسانه‌ها تدریس می‌کردند و چه زمانی که در دانشگاه علامه مورد علاقه دانشجویان بودند و چه در حال حاضر که در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران علم‌آموزی می‌کنند، در هر جایی که ایشان تدریس می‌کنند، محور علاقه و محبت دانشجویان هستند. بنابراین من، آقای دکتر شکرخواه را دانشمند، دانش‌آموخته و دانش‌وری می‌دانم که آنچه آموخته است را در درون خود نهادینه کرده است.

**آقای دکتر، چه وجهی از ایشان را بهتر دوست دارید و می‌پسندید؟**  
برای من آدم‌ها دو دسته هستند. آدم‌هایی که هسته اصلی آن‌ها عقل است و عاطفه رو بنا و پوسته آن‌ها است و آدم‌هایی که هسته اصلی آن‌ها عاطفی است و حلقه‌ای از عقل دور این هسته عاطفی کشیده شده است و مهار عقل را در هسته عاطفه زندن. برای من آقای دکتر یونس شکرخواه از دسته دوم هستند. یعنی آتش‌شانی از عاطفه، محبت، احساسات و هیجان که البته به واسطه دوران طولانی آموختن و تجربه کردن می‌تواند عاطف خود را کنترل کند.

**آقای دکتر شکرخواه به روزنامه‌نگاری آنلاین خیلی علاقه‌مند هستند، دیدگاه جنابالی در این مورد چیست. آیا روزنامه‌نگاری آنلاین را می‌پسندید؟**  
آقای دکتر شکرخواه کسی است که هم به طور تجربی و هم نظری از پیش‌تازان روزنامه‌نگاری آنلاین در کشور ما یکی از متخصصان بین‌المللی روزنامه‌نگاری آنلاین هستند. آقای دکتر شکرخواه تنها خود را در کلاس و درس و جزو خلاصه نکرده‌اند. در حال حاضر هم به محض تمام این جلسه باید به سراغ تحریریه کوچک ولی بسیار موفق خود در همشهری آنلاین برود. بنابراین از دور، دستی بر آتش ندارد، بلکه او کسی است که آتش افروز است.

**آقای دکتر شکرخواه در نسل جوان در گروه ارتباطی بسیار مؤثر و اثرگذار هستند. چه باید کرد تا سایر اساتید ما بتوانند این گونه باشند، از طرفی نسل جوان ما به آنلاین بودن اعتماد دارند و چه باید کرد که در دانشگاه‌ها بتوانیم از این علم نیز بیشتر استفاده کنیم؟**  
ما در حوزه آموزش روزنامه‌نگاری متأسفة‌انه تنوانتیم مسؤولین ذیربسط را قانع کنیم که آموزش روزنامه‌نگاری اساساً یک آموزش حرفه‌ای است و نیاز به امکانات، تجهیزات و تکنولوژی خاص خود را دارد. هنوز هم در دانشکده‌های ارتباطات دسترسی دانشجویان ما به اینترنت بوسیله بسیار محدود است. امیدوارم در این دولت به امثال آقای دکتر یونس شکرخواه این امکان داده شود و این موفقیت حاصل شود تا آموزش کارگاهی روزنامه‌نگاری آنلاین در سطح دانشکده‌های رسمی و نه در آموزشگاه‌های حرفه‌ای اتفاق بیافتد.

**آقای دکتر، در دولت تدبیر و امید نقش روابط عمومی را چگونه می‌بینید و آیا در این یکسال روابط عمومی‌ها موفق بودند یا خیر؟**  
ما فاصله بسیار زیادی با روابط عمومی مطلوب در سال‌های گذشته اسلامی و برای قرن ۲۱ میلادی داریم. متأسفانه در سال‌های گذشته روابط عمومی‌ها بسیار از اهداف، توانمندی‌ها و حتی امکانات حرفه‌ای خودشان محروم ماندند. با تدبیری که در شورای اطلاع‌رسانی دولت اتفاق افتاده و یک مسئولیت متمرکز برای تقویت روابط عمومی حرفه‌ای در بخش دولتی در نظر گرفته شده است، امیدواریم شاهد تحولات جدی در روابط عمومی‌ها، به خصوص دولت باشیم.

**آقای دکتر، می‌دانید که در دنیا نقش روابط عمومی‌ها و ارتباطات بسیار اثرگذار است. دولتها به روابط عمومی‌ها بسیار توجه دارند. ما هم در ایران افراد خوب، خوبه و انجمن‌های مؤثر داریم. آیا موفق هستید که دولت بیشتر**

باشد به این‌ها توجه داشته باشد تا بتوانند در اهداف خود موفق تر باشند؟  
حتمًا این کمک دو طرفه است. به این معنا که هم انجمن‌ها باید رابطه خود را با دولت تقویت کنند و هم دولت وظیفه دارد که به انجمن‌ها کمک کند. ولی این مسئله یک شرط دارد و آن این است که این کمک باید بی‌منت باشد.

## دکتر شکرخواه عین ارتباط است



●●●  
من، آقای دکتر شکرخواه را دانشمند، دانش‌آموخته و دانش‌وری می‌دانم که آنچه آموخته است را در درون خود نهادینه کرده است.

دکتر حسام الدین آشنا مشاور فرهنگی رییس جمهور در گفتگوی اختصاصی با «شارا» می‌گوید: دکتر یونس شکرخواه عین ارتباط است. دانشجویی که برای اولین بار کلاس آقای دکتر شکرخواه را تجربه می‌کند، احساس می‌کند که سال‌ها، پیش از نه فقط تحصیل کرده بلکه رفاقت داشته‌اند. به سرعت با دانشجویان خود دوست می‌شود و دانشجویان دکتر شکرخواه می‌دانند. **ابه نظر شما آقای دکتر شکرخواه کیست؟**

از نظر من دکتر یونس شکرخواه عین ارتباط است. به این معنا که ارتباط‌گری را در درون خود درونی کرده است. افرادی که با او آشنا نیستند، هنگامی که با ایشان یک جلسه هم صحبت می‌شوند، احساس می‌کنند سال‌ها است که او را می‌شناسند. دانشجویی که برای اولین بار کلاس آقای دکتر شکرخواه می‌کند، احساس می‌کند که سال‌ها، پیش از نه فقط تحصیل کرده است بلکه رفاقت نیز داشته‌اند. به سرعت با دانشجویان خود دوست می‌شود و دانشجویان دکتر شکرخواه بیشتر از آنکه از او بیاموزند، با او در می‌آمیزند. این روحیه ارتباط‌گری ناشی از چند مؤلفه می‌باشد که در درون یک نفر جمع شده است.

یکی پیشینه خانوادگی است که به شما الزام می‌کند که فقط در صورت امکان برقراری رابطه خوب با دیگران می‌توانید موفق باشید. پیشینه حرفة‌ای هم همین را الزام می‌کند. دکتر شکرخواه یک روزنامه‌نگار قیمتی حرفة‌ای است. او از نسل روزنامه‌نگارانی است که برگزیده شدند. دست چین شدند، مورد حمایت قرار گرفتند و بر آنها به شدت نظرات حرفة‌ای وجود داشته است. آقای دکتر یونس شکرخواه یک دانشجوی حرفة‌ای نیز می‌باشد که بسیار خوب درس خوانده، بسیار خوب آموخته و تحت نظر کسی آموزش دیده است که هر کسی را به دستاری، دانشجویی و به دوستی خود مفتخر نمی‌کرد. نسل تربیت‌یافتگان دکتر کاظم معتمدزاده عمده‌ای کسانی هستند که خصایل اخلاقی دکتر معتمدزاده را بیش از توانایی علمی او ارج می‌نهند. گرچه توانایی‌های علمی، جامعیت، دقت و سعه صدر علمی آن مرحوم مثال‌زدنی است.

در گفتگو با دکتر فریدون صدیقی:

## دکتر شکرخواه، آقای سبب



آدم را یاد فیلم عجیب آقای بنجامین باتن می‌اندازد که شخصیت فیلم از اواسط عمر خود بدنی آمده است و گاهی اوقات بزرگ بودن یا کوچک بودن را گم می‌کند. همین شگفتی است که علی‌رغم دلیستگی‌های دیرپای من با او که خیلی در هم تنیده است، گاهی اوقات برای گربه‌ای که می‌خواهد از درخت بالا ببرود ولی نمی‌تواند، با یکدیگر بعض می‌کنیم. فکر می‌کنم دکتر شکرخواه با دیگران با قلب خود و با خودش با عقلش بازی می‌کند. این روحیه معنا بخش و عمیق او را تبدیل به یک راز کرده است و بهتر است بگوییم او یک شگفتی است. بنابراین همیشه در برابر او غافلگیر می‌شویم، درنتیجه همیشه باید بکوشید تا او را رمزگشایی کنید. من هیچ تقلایی برای رمزگشایی او نکرم. در همان روز

اول فهمیدم که او مال من است. موضوع من با دکتر شکرخواه رفاقت و دوستی دیرینه و فهم مشترکی است که از رابطه‌ها داریم. هنر یک استاد ارتباطات تولید ارتباطات و معنابخشی و زایش ارتباطات با افرادی است که قابل ارتباط نیستند. دکتر شکرخواه جزء محدود افرادی است که تولید هستی بخش به روابط را خلق می‌کند. بنابراین هیچ‌کس با او غریبه نیست و هر کسی که برای اولین بار او را می‌بیند، مانند این است که سال‌ها او را می‌شناسد. او دلیستگی‌هایی از جنس خطرو خاطره برای ما آفریده است. در این جامعه گاه هراس آلود، مناسبات او عقیق است و احساس می‌کنید که این جنس از رابطه، برای این زمانه نیست.

**[با توجه به پیشنهادی که فرمودید، شما در حال حاضر خودتان را استاد ایشان می‌دانید؟]** ما با یکدیگر دوست هستیم. واقعیت امر این است که در حال حاضر در سنی هستم که چهار دهه روزنامه‌نگاری را پشت سر گذاشته‌ام، فکر می‌کنم استادی در فراغیری است نه در فرا دادن، یعنی در تعامل متقابل است. به این معنا که جوانی که با من کار می‌کند، در مجاورت من است و مطالعی از من فرا می‌گیرد، نمی‌داند که من هم از او انحری و چیزهای بسیاری فرا می‌گیرم. سال‌ها است که رابطه من و استاد شکرخواه از رابطه استاد و شاگردی گذشته است. در حال حاضر ما دو رفیق، دو دوست و برادر هستیم. البته او انسان بزرگوار، فروتن و متواضعی است و همواره از من به عنوان اولین استاد خود بیاد می‌کند. به نظرم بزرگترین حسن آقای شکرخواه این است که اصراری بر اینکه بیشتر می‌داند، ندارد و به این مسئله واقع است که آن کسی که بیشتر می‌داند، در واقع کمتر می‌داند. در واقع ما همواره در نادانی خود در جستجوی دانایی هستیم. بنابراین رابطه ما استاد و شاگردی نیست بلکه هر دو در

●●● در سالروز تولد ۵۰ سالگی ایشان بود که مطلبی با عنوان آقای سبب نوشتم و هنوز هم معتقدم همچنان آقای سبب است. زیرا همیشه معطر و پرآب است و می‌توان او را گاز زد. یک سبب سفید که سایه‌ای از قرمزی دارد و به این معنی است که لذیذ و شیرین است. من عاشق این نوع سبب هستم. این جملات تنها بخش‌هایی از صحبت‌های دکتر فریدون صدیقی درباره دکتر یونس شکرخواه است که در ادامه این گفتگو از نظر می‌گذرد:

چگونه با دکتر شکرخواه آشنا شدید و از چه زمانی ایشان را می‌شناسید؟ فکر می‌کنم او ایل سال ۶۰ یا ۶۱ بود که آقای شکرخواه وارد روزنامه کیهان شد و به دلیل اینکه رشته تحصیلی ایشان مرتبط با استعداد، پرشور و انرژی و دوست‌داشتنی بود. از همان زمان ما با هم امتداد پیدا کردیم و من به عنوان فردی که سن بیشتری داشتم و فکر می‌کنم جزء کسانی بودم که مشوق ایشان در زیست تحصیلی، اعتماد دانسته‌ها و یافته‌ها و مکاشفه‌هایی بودم که همواره در کار خود داشت. در نتیجه ادامه تحصیل و به ارتباطات تغییر رشته داد و دکتری ارتباطات از دانشگاه علامه گرفت و از همان سال‌ها همچنان ما با هم هستیم. من شاد تولد تنها فرزندش میلاد بودم که پسری مؤبد، منظم و مانند پدرش عزت‌مند است. شکرخواه جزء محدود ادم‌هایی است که رنج می‌برد تا دیگران لذت ببرند. کوشش، تلاش بی‌وقفه و پرکاری دکتر شکرخواه در لایه‌های دوم و سوم وی، به دلیل معنابخشی به آرامش افرادی است که با او در ارتباط هستند و به همین دلیل جزء محدود انسان‌هایی است که برای این که دیگران چیزی را فرابگیرند، حاضر است سبب شود. این ویژگی به این معنا است که او همیشه یک انسان تابع است و اگر متغیر باشد، سعی می‌کند آدم‌ها را از درون تغییر دهد. بزرگترین اسلحه دکتر شکرخواه در مدیریت و کنترل خود، در گام اول آرامش بخشی به دیگران و خود است. دکتر شکرخواه انسان شریفی است و روح دل‌انگیزی دارد. با وجود اینکه حدود ۵۵ یا ۵۶ سال دارد، همچنان بازی گوش و شیرین است. رفتار او گاهی به گونه‌ای است که نمی‌داند آیا او بزرگ شده است یا نه. دکتر شکرخواه جزء موارد عجیبی است که

رفتار، دکتر شکرخواه در درون خود یک روشی ایجاد می کرد تا هر دو نفر ما بتوانیم با هم تعامل داشته باشیم.

#### در رابطه با جایگاه علمی آقای دکتر بگویید؟

جایگاه علمی آقای شکرخواه یا دکتر دات کام جایگاهی تعریف شده است. جستجو و تقلای ایشان برای جستجو و کشف رسانه های جدید به سال های بسیار دور بر می گردد. شاید بتوان گفت در همان سال ۷۰ یا ۷۱ بود که پای اینترنت باز شده بود و روزنامه ها واحدی به نام انفورماتیک داشتند. دکتر شکرخواه جزء محدود افرادی بود که به دنبال این عالم ناشناخته رفت و می خواهد در کشف آن افق باشد. به نظر می رسید او در ک مناسابی از این داشت که انسان معاصر، انسانی است که در فردا زندگی می کند. گرچه بخش قابل تأملی از ما همچنان در دیروزها یمان مانده ایم و من یکی از آن آدم ها هستم. ولی او یکی از آدم هایی است که به زعم من به دلیل رمزگشایی در ارتباطات نوین، در فردا زندگی می کند. این اتفاق بسیار فرخنده ای است. نکته بعدی دکتر شکرخواه ساده سازی زبان علمی و انتقال آن به دانشجوها و آدم های پیرامون خود است و شگفتی علمی او در این است که هر چه بیشتر می بیند و جستجو می کند، سعی می کند آنها را بومی و درونی کند و با این درونی سازی ها به ارتباطات علمی با پیرامون خود معنای بیشتری دهد. از نظر من یکی از معايب دکتر شکرخواه این است که بیشتر مطالعه می کند و کمتر می نویسد گرچه این مسئله به دلایل بسیاری حسنه است، اما در فقر تولیدات رسانه ای مکتوب شاید انتظار بیشتری از او باشد که آنچه را که می کاود، مکتوب و عرضه کند. من فکر می کنم بهتر است آقای دکتر شکرخواه به خودش فرصت دهد و کمی از خودش جا بگذارد و سارق خودش شود و تولید کند. تولیدی که بتواند بیش از پیش این بهره مندی را فراهم کند. ولی مشکل این جا است که وقت ندارد و این به همان دلیلی است که در ابتداء گفتم، دکتر شکرخواه انسانی است که خودش رنج می برد تا دیگران در آسایش و راحتی باشند و این کار خیلی بزرگی است.

#### اگر بخواهید دکتر یونس شکرخواه را در یک جمله توصیف کنید، چگونه او را وصف می کنید؟

در سالروز تولد ۵۰ سالگی ایشان بود که مطلبی با عنوان آقای سیب نوشتیم و هنوز هم معتقدم همچنان آقای سیب است. زیرا همیشه معطر و پرآب است و می توان او را گاز زد. یک سیب سفید که سایه ای از قرمزی دارد و به این معنی است که لذید و شیرین است. من عاشق این نوع سیب هستم.

جستجوی دانستگی های تازه ای از یکدیگر هستیم. هر دوی ما بدبال مکاشته هستیم زیر معتقدیم هیچ انسانی پایان پذیر نیست. هر دوی ما به دنبال کشف و شهود یکدیگر هستیم. هر دو به این باور رسیده ایم که قطعاتی از پازل یکدیگر را هنوز پیدا نکرده ایم. گاهی من قطعه ای از وجود او بپیدا می کنم و او متوجه می شود که چنین قطعه ای در وجود او بوده است و گاهی این اتفاق از سوی او سر می زند و من را متوجه موضوعی می کند که خودم از آن غافل بودم. می توان این گونه گفت که من، او و چند نفر دیگر مانند سرنشینان واگنی هستیم که با وجود ایستگاه های متفاوت و متعدد، همگی در جستجوی مقصد یکسانی هستیم.

**دکتر شکرخواه ساده سازی زبان علمی و انتقال آن به دانشجوها و آدم های پیرامون خود است و شگفتی علمی او در این است که هرچه بیشتر می بیند و جستجو می کند، سعی می کند آنها را بومی و درونی کند و با این درونی سازی ها متفاوت و متعدد، همگی به ارتباطات علمی با پیرامون خود معنای بیشتری دهد.**

**[از روزهای گذشته تابه امروز این رابطه چه ویژگی خاصی به یاد دارید؟ در رابطه با ارتباط کاری خودتان بگویید.]**

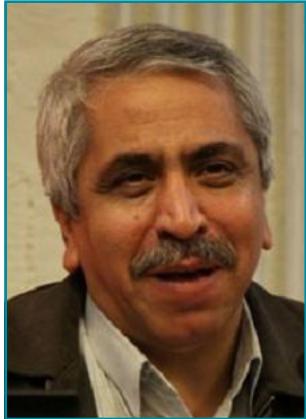
من و دکتر شکرخواه در چند جا با هم کار کردیم. یک دوره طولانی در روزنامه کیهان با هم همکار بودیم و با ایشان در دو اتفاق پیرامونی رسانه ای با هم بودیم. برای مثال در مرکز مطالعات و گسترش رسانه ها با هم کار می کردیم و در آنجا هر زمان که صدای خنده دانشجویان بلند می شد، دکتر شکرخواه می گفت این کار آقای فریدون صدیقی است و مطلبی در مورد من می گوید که بعد از آن متوجه می شد درست گفته است. در یک دوره ای نیز در هفته نامه حوادث با هم کار می کردیم که هفته نامه پر تیار در سال ۷۰ بود. هفته نامه ای که با خشونت سرو کار داشت و دکتر شکرخواه با بخشی سرو کار داشت که نرم بود و من هم باید خشونت ها را از نظر ساختار دنبال می کردم. این مسئله باعث شد که هر وقت در کنار هم در مورد یک موضوعی صحبت می کردیم، ایشان برای افرادی که پیرامون ما بودند، تعریفی خاص می آفرید. خاطرمن است سالی که عصر فیلم تایتانیک بود، ما یک مسیری را زیک هفته نامه تا میدان و نک که منزل ایشان در آن حوالی بود را طی می کردیم. دور میدان و نک در ضلع شمال غربی هنگام غروب در پیاده رو پیروزی نشسته بود که یک پای خود را دراز می کرد و پای دیگر خود را نیز زاویه کرده و در طلب کمک دیگران بود. منتهی آن هیبت، هیکل و دیالوگی که نوعی نفرین نرم در آن بود، به گونه ای بود که ترسی به جان عابران پیاده می انداخت. من و دکتر شکرخواه هنگامی که به او می رسیدیم قبیل از اینکه او شروع به گفتن کلمه ای تند کند، به طور نوبتی هر روز به او کمک می کردیم تا این که کار به جایی رسید که فکر کردیم این کار بسیار ناجوانمردانه است و به همین دلیل مسیر خودمان را عوض کردیم و بعد از مدت ها که دوباره به همان مسیر بازگشتم متأسفانه دیگر خبری از آن آدم نبود. منظور این است که به دلیل این حس و درد مشترک و وحدت

**مدیر مرکز آموزش مؤسسه همشهری:**

## یونس شکرخواه: بهترین استاد خبر در ایران

●●●

**دکتر حسن نمکدوست مدیر مرکز آموزش مؤسسه همشهری و دکتری علوم ارتباطات است. وی در گفتگو با شارا درباره دکتر یونس شکرخواه می‌گوید: آقای دکتر شکرخواه با زحمت بسیار زیاد دانش را به دست می‌آورد و به آسانی، سخاوت و بخشندگی بسیار زیاد آن را در اختیار هر کسی که متقاضی باشد، قرار می‌دهد. ایشان نه بخشی از دانش خود را بلکه تمام دانش خود را بدون هرگونه محدودیتی در اختیار افراد قرار می‌دهد. برای او مهم این است که دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذارد. به نظر من این یکی از مهمترین ویژگی‌های اهل علم است. در ادامه این گفت و گو را از نظر من گذرانیم:**



این است که در بیست و چند سال گذشته، دکتر شکرخواه مهمترین روزنامه‌نگار متخصصی بودند که به مباحثه مربوط به روزنامه‌نگاری در فضای سایبر پرداختند. واقعای دلیل نیست که به دکتر شکرخواه، دکتر دات می‌گویند. به خاطر اینکه اساساً بسیاری از ما آشنایی خودمان را با روزنامه‌نگاری در فضای مجازی مدیون تلاش‌های دکتر شکرخواه هستیم و بسیاری از ما هنگامی که با مشکلاتی به لحاظ کار در این فضا برای شناخت آن و اجرا کردن روزنامه نگاری در این فضا مواجه می‌شدیم، با دکتر شکرخواه یا به تعبیری دکتر دات در میان می‌گذاشتیم و از دانش ایشان بهره می‌گرفتیم. تاکید می‌کنم می‌دانم این سه زمینه کسی مانند دکتر شکرخواه نداریم و خیلی خوشحال هستم که این را من به عنوان یک معلم در این حوزه می‌گویم.

وجه دیگری از فعالیت‌های عملی دکتر شکرخواه تلاش ایشان در قلمرو ارتباطات و اطلاعات است. در آنجا هم دکتر شکرخواه چند نشص کلیدی دارند. یکی از جنبه‌های اساسی، آشنایی ایشان با فضای سایبر است. با قاطعیت تمام می‌توانم بگویم که در میان استادان ارتباطات کسی را نداریم که دانش نظری و عملی توأم در موضوع فضای سایبر به اندازه دکتر شکرخواه داشته باشند.

موضوع دوم در این زمینه آشنایی ایشان با جریان بین‌المللی اطلاعات و اخبار است که در این حوزه نیز ایشان هم کار نظری و عملی به غایت انجام داده‌اند. وجه سوم که این وجه نیز به نظر من خاص است، آشنایی ایشان با مجموعه مسائل جامعه اطلاعاتی است. می‌دانید که دکتر شکرخواه از ابتدای طرح موضوع جامعه اطلاعاتی پیگیر بودند، به جنبه‌های مختلف آن پرداختند و آن را به دقت جستجو کردند. آنقدر که حتی در چند ماه گذشته که بحث تدوین نهایی صنعت‌های اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی بود، دکتر شکرخواه بودند که در مباحثه‌ها و چانه‌زنی‌های مربوط به صنعت وردینگ از طرف ایران در ژنو شرکت کردند و بهتر از هر فرد دیگری توائیست به تفهیم مسئله به این پیچیدگی در سطح جهانی کمک کنند.

در این حوزه‌ها است که به نظر من باید نقش دکتر شکرخواه را قطعی دانست و به واقع من به سهم خودم از تلاشی که ایشان در این سال‌ها در این زمینه‌ها کردند، سپاسگذاری می‌کنم. افرادی هستند که در حوزه عمل بسیار تلاش کردند و درخشیدند، افرادی هستند که در حوزه نظر بسیار رحمت کشیده‌اند و آثار فوق العاده خوبی تولید کردند. تأکید من این است که افرادی مانند دکتر شکرخواه که هم در زمینه عمل و هم در زمینه نظر به صورت توأمان کار کردند و در ترکیب این دو در خشیده‌اند، کم هستند.

دکتر شکرخواه همواره بحث‌های عملی را با بحث‌های نظری خود درآمیخته‌اند و همواره جستجوهای نظری را با تلاش‌های عملی توأم

دانش آقای دکتر شکرخواه را می‌توان در دو زمینه بیان کرد. یکی در حوزه روزنامه‌نگاری است. وجهی که بسیاری از دوستان، ایشان را براساس آن می‌شناسند. به نظر من دکتر شکرخواه در حوزه دانش روزنامه‌نگاری در سه زمینه مهمترین تأثیر را در سال‌های اخیر داشته‌اند. دیگری در حوزه خبر است. همه دوستان با کارهای ایشان در حوزه نظری و خبری از کتاب خبر ایشان تا مقالات متعددی که در زمینه خبر نوشته‌اند، آشنا هستند. به نظر من دکتر شکرخواه بهترین استاد خبر در ایران هستند. من همیشه با افتخار گفته‌ام که دکتر شکرخواه در زمینه خبر مانند قله دماوند و فردی مثل من که خبر تدریس می‌کند، مانند تپه عباس آباد است و هیچگاه نگران این مقایسه نیستم و فکر می‌کنم مقایسه به حقی است. من نیز موارد بسیاری را که در حوزه خبر فراگرفته‌ام از آقای دکتر شکرخواه است. قلمروی دومی که ایشان در حوزه روزنامه‌نگاری تبحر و تخصص بلا منازعه دارند، روزنامه‌نگاری بین‌المللی است. دکتر شکرخواه سال‌ها در کار روزنامه‌نگاری بین‌المللی تجربه اندوه‌های داشته‌اند. خطوط کلی روزنامه‌نگاری بین‌المللی و جزئیات آن را هم در عمل و هم در مطالعات ایشان می‌توان اشکارا دید. وجه سوم که خیلی از همکاران، ایشان را به نام آن می‌شناسند، روزنامه‌نگاری آنلاین است. واقعیت امر



اگر بخواهم ساده و خلاصه بگویم، منش و روحیات دکتر بسیار شبیه به روحیه کلی روزنامه‌نگاری است. چند صفت را که در روزنامه‌نگاری اصل است بر می‌شمارم که در روحیه دکتر شکرخواه کاملاً متجلی است.

روزآمد بودن؛ حرفه ما با روزآمد بودن سر و کار دارد و هر روز با خبر و پدیده‌های نو کار داریم. همه می‌دانند که دکتر شکرخواه یک انسان روزآمد است. جستجوگری؛ یکی از ویژگی‌های جدی روزنامه‌نگاری است که دکتر جستجوگر است.

صفت‌هایی مثل دقت، انصاف، توانمندی، طرفی، روشی، صرافت و اهل گفتگو و تعامل کردن را می‌توان در درون دکتر شکرخواه پیدا کرد.

ایشان به واقع کارآکتر گفتگوی است. همان‌طور که گفتم اگر ساعتها را راجع به نظر و صحبت خود بحث کنید، شاید شما خسته شوید ولی ایشان هرگز خسته نمی‌شود و با لحن گفت و شنوندی بحث را ادامه می‌دهد. حتی برخی از صفت‌های بامزه روزنامه‌نگارها که من اسم آن را شیطنت مثبت می‌گذارم، در وجود دکتر شکرخواه وجود دارد. در این زمینه خاطره‌ای به یاد دارم که زمانی با آقای دکتر به کیوتور رفته بودیم و در آن زمان پلی استیشن ۲ یا ۳ تازه به بازار آمد. با ایشان به فروشگاهی رفتیم که تعداد بسیاری از این دستگاه را به معرض فروش گذاشته بودند، ایشان با شوق و ذوق گفتند که می‌خواهم این دستگاه را برای پسرم میلاد بخرم. یک یا دو ماه بعد به میلاد گفتم پدر خوبی داری که این دستگاه را برای شما خریده است. او در پاسخ گفت یک ماه است که نمی‌گذار من بن‌آن بازی کنم. این شیطنت مثبت و بازی گوشی دکتر خیلی شبیه به کارآکترهای روزنامه‌نگاری است. زندگی، چهره، فیزیک، نوع راه رفتن، نشست و براحتی دکتر همه با هم تداعی کننده نوع حرفه‌شان است. البته این موضوع بی‌دلیل نیست زیرا ایشان بیش از ۳۰ سال روزنامه‌نگار است.

**ایشان به عنوان الگوی روزنامه‌نگار حرفه‌ای که فرمودید، چه ضرورتی دارد که می‌خواهد هم‌زمان با تکنولوژی حرکت کند و از آن عقب نیافتد؟**

من نمی‌گویم کسی که کاملاً به تکنولوژی روز مسلط است، حتماً آدم پیشروی است و کسی که با تکنولوژی روز میانه‌ای ندارد، حتماً آدم غیرپیشروی است. نه این‌گونه نیست و من چنین باور ندارم. حدس می‌زنم دکتر شکرخواه نیز چنین باوری ندارند. البته بسیار خوب است که شما به تکنولوژی روز مسلط باشید. اما این مرز بین پیشرو بودن و نبودن در کار ما نیست. در کار ما محتوایی که تولید می‌کنیم تعیین کننده پیشرو بودن است. البته تکنولوژی کمک بسیاری برای تولید محتوای بهتر می‌کند. اما در حال حاضر من روزنامه‌نگارانی را می‌شناسم که قطعاً به اندازه دکتر شکرخواه مسلط

کرده‌اند. اگر ایشان درباره روزنامه‌نگاری آنلاین صحبت کردند، به این دلیل بوده است که سردبیر دو وب‌سایت روزنامه‌نگاری آنلاین معتبر کشور یعنی جام جم آنلاین و همشهری آنلاین بودند. اگر بحث نظری جامعه اطلاعاتی را مطرح کردند، خودشان از افرادی بودند که در اجلاس‌های بین‌المللی حضور پیدا کردند، مشارکت داشتند، نمایندگی کردند و پیشگیر موضوع بودند. اگر در زمینه روزنامه‌نگاری بین‌المللی بحثی را مطرح کردند، نزدیک به بیست سال سردبیری سرویس خارجی یک روزنامه را بر عهده داشتند. اگر مدرس خبر بودند، در مقام سردبیر خبرهای بسیاری را تولید و منتشر کردند. این ترکیب دانش عملی و نظری باعث می‌شود که شخصیت ایشان، یک شخصیت خاص و بسیار سودمند باشد. به این‌ها ویژگی سخاوتمند بودن دکتر را اضافه کنید.

دکتر شکرخواه با رحمت بسیار زیاد دانش را به دست می‌آورد و به آسانی، سخاوت و بخشندگی بسیار زیاد آن را در اختیار هر کسی که منقادی باشد، قرار می‌دهد. ایشان دانش خود را برای خود نگاه نمی‌دارد. بارها دیده‌ام که از هر جای ایران و جهان فردی پرشی داشته و به دکتر شکرخواه که رسیده و آن را مطرح کرده است، ایشان نه بخشی از دانش خود را بلکه تمام دانش خود را بدون هرگونه محدودیتی در اختیار آن فرد قرار داده است. برای او مهم این است که دانش خود را بایگران اشتراک بکنارد. به نظر من این یکی از مهمترین ویژگی‌های اهل علم است. جالب اینجا است که هرگاه دکتر می‌خواهد این کار را انجام دهد، باز از کاراکتر اهل علم این کار را انجام می‌دهد. دکتر این کار را در مناسبات تعاملی انجام می‌دهد. هر انداره که دانشجویان در سطح پایین باشند، می‌توانند به راحتی با دکتر شکرخواه وارد گفتگو شوند. ایشان به شما اجازه می‌دهد با مباحثی که مطرح می‌کند، به سادگی با او مخالفت و نظر خود را مطرح کنید. با وجود اینکه ایشان نیز مانند همه ما به نظرات خود باور دارد، اما از اینکه نظر خود را به محک نظر دیگران بکنارد، هیچ‌گونه ترسی ندارد و بسیار خوب گوش می‌کند و اگر شما به مدت یک ساعت هم در مورد نظرتان صحبت کنید، آن یک ساعت را به شما گوش می‌دهد و از نظر خود هیچ‌گونه دفاعی نمی‌کند، بلکه آن را توضیح می‌دهد. از این جهات شخصیت علمی دکتر شکرخواه شخصیت فوق العاده مثبتی است.

**اینکه از جهات مختلف مانند استادی، روزنامه‌نگاری آنلاین، روزنامه‌نگاری بین‌المللی و غیره دکتر شکرخواه را توصیف کردید، به این معنی است که ایشان همیشه در پی این بودند که می‌خواستند پیشرو و به روز باشند و همیشه جلوتر از بقیه بودند. از نظر شما این زوایا چگونه شکل پیدا کرده‌اند؟**

OOO

دکتر شکرخواه از ابتدای طرح موضوع جامعه اطلاعاتی پیگیر بودند، به جنبه‌های مختلف آن پرداختند و آن را به دقت جستجو کردند. آنقدر که حتی در چند ماه گذشته که بحث تدوین نهایی صنعت‌های اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی بود، دکتر شکرخواه بودند که در مباحثه‌ها و چانه‌زنی‌های مربوط به صنعت وردینگ از طرف ایران در ژنو شرکت کردند و پیتر از هر فرد دیگری توانست به تفہیم مسئله به این پیچیدگی در سطح جهانی کمک کنند.

کدام واقعی است. هنگامی که تعاملات زیادی در آن جهان داریم و مسائل واقعی زندگی خود را از طریق آن جهان حل و فصل می‌کنیم، دیگر اسم آن فضای مجازی نیست. وقتی وارد حوزه ارتباطات می‌شویم، اساساً نسبت فناوری با انسان یک کنش کاملاً تعاملی مقابل است که انسان بدون رسانه و رسانه بدون انسان فهم نمی‌شود.

### در صورت امکان اگر خاطره مشتوك با دکتر شکرخواه دارید، بفرمایید.

من دکتر شکرخواه را قبیل از ورود به مقطع دکتری می‌شناختم. به خصوص با کارها، مقالات و کتاب‌هایی که نوشته بودند، آشنایی داشتم. بیشترین زمان آشنایی من در دوره دکتری بود. وقتی دانشجوی دکتری شدیم، ایشان رتبه یک را آورده و البته این رتبه به حق بود. در آن زمان خیلی از افراد از من می‌پرسیدند در چه مقطعی تحصیل می‌کنم و من در جواب می‌گفتم دوره دکتری ارتباطات که خیلی جدی نمی‌گرفتند ولی زمانی که می‌گفتم هم دوره آقای دکتر شکرخواه هستم خیلی جدی می‌گرفتند و فکر می‌کردند جای خوبی است که دکتر شکرخواه هم در آنجا تحصیل می‌کند که در واقع نیز این چنین بود. مادره دکتری خوب و طولانی را با هم گذراندیم و از همان زمان رابطه ما با هم خیلی جدی تر و غنی‌تر از قبیل شد. به خاطر دارم محروم دکتر معتمدنژاد استاد همه ما عادت داشتند که در امتحان می‌گرفتند، یک سوال مطرح می‌گرفتند و لی سوال به گونه‌ای بود که دوستان دوره قبل از ما هنگامی که ساعت ۲ بعدازظهر امتحان داشتند، برگه‌های خود را ۵ صبح آماده کرده بودند، یعنی چیزی حدود ۱۵ یا ۱۶ ساعت. البته اجازه داشتند که کتاب همراه خود بیاورند و خاطرم هست که آن دوستان نزدیک به یک چمدان کتاب همراه خود آورده بودند. نوبت که به مارسید با خودمان قرار گذاشتیم به خودمان سخت نگیریم. بنابراین از ساعت ۲ تا ۶ بعدازظهر شروع به نوشتن کردیم و بعد تصمیم گرفتیم مابقی آن را در منزل بنویسیم و از آنجا که همگی با پروفسور معتمدنژاد روبرویستی داشتیم و نمی‌توانستیم این درخواست را از ایشان کنیم، بر علیه دکتر شکرخواه توطئه کردیم که ایشان با پروفسور تماس بگیرند و موضوع را مطرح کنند. دکتر شکرخواه نیز گفتند با دکتر روبا معتمدنژاد تماس می‌گیریم و دکتر رویا معتمدنژاد هم گفتند من نمی‌توانم به پدرم بگویم، اجازه دهید با برادرم در پاریس تماس بگیرم و ایشان از پدرم این اجازه را بگیرند و در نهایت این اجازه صادر شد. می‌خواهم بگوییم که ما در هر سطحی مشکلات خودمان را با دکتر شکرخواه مطرح می‌کردیم و ایشان نیز به ما کمک می‌کردند. از آن زمان تاکنون همکاری‌مان ادامه پیدا کرده است و در زمینه‌های گوناگون از جمله تدریس، پژوهش، سمینارها، جشنواره‌ها، داوری‌ها و غیره همکاری‌های بسیاری با یکدیگر انجام داده‌ایم.

به تکنولوژی نیستند، اما روزنامه‌نگاران بسیار خوبی هستند. ولی زمانی که قاعده روزنامه‌نگاری را با استاد روزنامه‌نگاری و ارتباطات بودن ترکیب می‌کنید، آن زمان است که قضیه فرق می‌کند. به نظر من در مقام استاد ارتباطات و روزنامه‌نگاری بودن، آشنا بودن با تکنولوژی یک ضرورت است. زیرا شما دیگر تنها محتوا تولید نمی‌کنید، بلکه با افراد و جوان‌های مواجه می‌شوید که می‌خواهند بیاموزند و آن‌ها به این تکنولوژی‌ها عادت کرند، از آن‌ها بهره می‌گیرند و آن تکنولوژی‌ها جزء لینفک جهان آن‌ها هستند و اگر با جهان آنها مأتوس نباشید، نمی‌توانید با دانشجوی خود ارتباط برقرار کنید. به این دلیل آشنایی دکتر شکرخواه با تکنولوژی یک ضرورت معلمی بلا منازعه است. به دلیل اینکه دکتر شکرخواه معلم، روزنامه‌نگار و صاحب‌نظر است، در مجموعه این‌ها لاجرم باید با تکنولوژی مأتوس باشد که آقای دکتر شکرخواه این چنین است. بخشی از اینکه شخصیت دکتر شکرخواه برای همکاران جوان ما دلیلی است به همین دلیل می‌باشد زیرا آن‌ها دکتر را در قالب آدمی می‌بینند که دنیای آن‌ها را فهم می‌کند و می‌تواند با آن‌ها تعامل و گفتگو داشته باشد و بهانه‌های گفتگوهای مشترک زیادی دارد. این نشان می‌دهد که دنیای آن‌ها متفاوت نیست بلکه مشترک است. این مسئله باعث می‌شود که فضاهای تعاملی بعدی ایجاد شود. ما روزنامه‌نگارانی داریم که به تکنولوژی کاملاً مسلط هستند، اما احتمال دارد که استاد نباشند و استادانی داریم که کاملاً به فضای سایبری مسلط هستند، اما ممکن است که روزنامه‌نگار و درگیر کار عملی نباشند، این ترکیب یک اکسیری ساخته است که در ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و شبیه به آن را زیاد نداریم.

**تا یک جایی به تکنولوژی به صورت ابزاری نگاه می‌شود ولی در سال‌های اخیر تکنولوژی مانند شبکه‌های اجتماعی تولید محتوا می‌کند. از این لحاظ شاید تکنولوژی از حالت یک ابزار صرف خارج می‌شود. نظر شما چیست؟**

من در تکنولوژی صاحب‌نظر نیستم. اما در مورد تکنولوژی‌های ارتباطی قدری مطالعه کرده‌ام. آچه که ما به آن تکنولوژی ارتباطی و رسانه می‌گوییم، تنها ابزار نیستند، بلکه جزء لینفک حیات اجتماعی هستند. انسان اجتماعی حیات معاصر را اصلاً نمی‌تواند بدون رسانه تصور کرد. تصور جهان بدون رسانه امکان پذیر نیست. دلیل آن هم این است که ما انسان‌ها در ذات خود ارتباط‌گر هستیم و این یکی از بارزترین ویژگی انسان است. آنچه که ما به آن تکنولوژی ارتباطی می‌گوییم، جزو لینفک ما است. انسانی که نتواند با دیگران ارتباط برقرار کند، ما آن را دچار مشکل می‌دانیم و نزد متخصص می‌بریم. سطح بعدی تحولات چشمگیر سریعی است که در رسانه‌ها پدید می‌آید و موقعیت را تغییر می‌دهد. ۲۰ سال پیش مارک حرف از فضای مجازی و واقعی می‌زدیم. در حال حاضر نمی‌توان گفت که کدام فضا مجازی و



دکتر شکرخواه خوش محضر است و محفلي دل پذير دارد و بنا به اقتضائي جمع سخنان دلنشياني به زيان مى آورد. گاهي اوقات دکتر شکرخواه ناداني عامدانه اي دارد، اين ناداني عامدانه را بر فاضل نمایي عالمانه ترجيح مى دهد به اين دليل كه از شر و شور گريزان است. با محيط سازگار است، با همه همكاران خود از سطح تا ذيل تفاوتی برای ايشان نداره و با همه رفاقت يكسان دارد. به يادگيري زبان هاي خارجي بسيار علاقه مند است. علاقه مند است كه با شهريستانيها با همان زيان شهرشان صحبت كند. به گويشها و زيانها و لهجه هاي ايراني هم بسيار علاقه مند است و سريعتراز ديگران زيان را ياد مى گيرد. واقعیت قضیه اين است كه دکتر شکرخواه مى توانست بيش از اين مؤثر باشد، اما حقیقت اين است كه از يك سال هاي شوق باطنی وي فرو نشست و علت آن را باید از خود ايشان پرسيد. وي هيچگاه توانست آنچه را كه از سرچشمها مى گيرد و در دل تهفته دارد، به درستی و به طور كامل به دانشجويان خود منتقل كند.

دکتر شکرخواه در ترجمه به جاي اينكه خود را در گير معادل سازي و لغت تراشي كند، سعي مى كند مفاهيم و روبيه ها را در عمل يومي سازی كند، به سخن نو دلبستگي دارد. هرچه نوادر برای او بهتر، مستمع است كه ايشان را بر سر ذوق مى آورد. ايشان مراقبت عجبي از پيرمود و كودك درون خود دارد و نگاهدار و نگهبان اين دو است و به موقع هر کدام را به کار مى برد. شايد بتوان گفت در جلسات رسمي پيرمود شکرخواه و در محيط هاي غير رسمي و دوستانه كودك درون وي زنده مى شود.

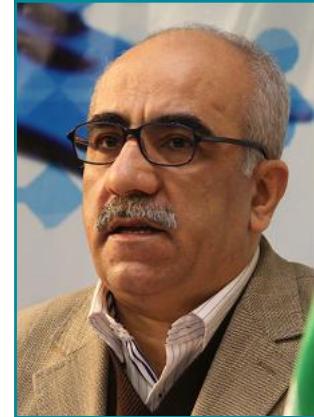
**اگر بخواهیم دکتر شکرخواه را در چند جمله توصیف کنم می گوییم دکتر شکرخواه مدرن ترین سنتی است که در عمر خود دیده ام. در آستانه ۵۰ سالگی دکتر شکرخواه به مناسبت سالروز تولد او مطلبی در روزنامه شرق نوشتم که بعدها در گزیده مقالات و گزارشات خود در كتاب مطبوعات ايراني آمده است. بخشی از نوشته خود را می خوانم: در آستانه ۵۰ سالگی دوست بسیار عزيزی هستیم که ۳۰ سال است می گوید ۲۰ سال دارم. دکتر یونس شکرخواه را می گوییم، همه به جايگاه علمی وی وقوف دارند. بر سر آن نيسیست از تحصیلاتش، كتاب هایش، مقالاتش، شاگردانش، پيش گامی هایش و آنچه که ديگران مطلع هستمن، نكته ای را يادآور شوم، بلکه می خواهیم به خصلت های فردی و معرفتی او پيردازم. با وجود همه تفاوت هایمان که او شرقی است و من غربی. مردم شرق و غرب کشور است. او خلوت گرین با مولوی و من پرسپولیسی، و من بی ريش، او استقلالی و من پرسپولیسی، او آينده شناس و من گذشته پژوه. او را با فانی و باقی کاري نيسیست و من در پی هر دو و دهها تفاوت دیگر که هيچ يك از اين تفاوتها پس از**

سید فرید قاسمی:

## دکتر شکرخواه، مدرن ترین سنتی

○○○

«سید فرید قاسمی» نويسنده، پژوهشگر مطبوعات و حافظه گویای مطبوعات ايران در گفت و گوي اختصاصي با شارا، دکتر یونس شکرخواه منتخب ششمین جايده بين المللی دکتر نطقی را مدرن ترین سنتی مى داند که در نوع خود بى نظير است. به اين جيت كه ايشان با نسل هاي گوناگون روزنامه نگاري کار كرده و ايزار چاپ متعدد را دیده است. ايشان از روزنامه نگاري کاغذی به سمت روزنامه نگاري آنلайн بختی را در اين عرصه پيشگام بوده است. بختی که از نظر مى گذرانيد، توصيف حافظه مطبوعات ايران درباره پدر علم روزنامه نگاري آنلайн ايران است:



پهنهای دانش، ژرفای معرفت و میزان فضل و کمال دکتر شکرخواه را بيشتر دوستانه صمیمي و همكاران قدیمي ايشان می دانند. دکتر شکرخواه را می توان از منظرهای گوناگون دید، از منظر رسانه نگاري، يك دوره ۳۴ ساله را که از يكشنبه ۲۴ آبان ماه سال ۱۳۶۰ با چاپ اولين ترجمه ايشان در صفحه خارجي روزنامه اطلاعات با امضای یونس-ش دوره رسانه نگاري شروع مى شود تا به امروز که سکان دار همشهری آنلайн هستند.

از منظر كتاب نويسی يك دوره ۲۴ ساله را می توان مروور كرد. از كتاب واژه نامه پژوهش های ارتباطي و رسانه ای که در سال ۱۳۷۰ به وسیله مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها منتشر شد تا آخرین كتاب ايشان که چند هفته قبل با عنوان **گرافيك اطلاع رسان** به وسیله همان مرکز منتشر شد. اما ترجیح من این است که به جاي خلق شکرخواه از خلق شکرخواه حرف بزنم. هر کسی که از نعمت و برکت دوستی با دکتر شکرخواه برخوردار بوده است، به درستی می داند که مصاحبتي با دکتر شکرخواه آرامش آفرین است، در دوستی دوام دارد، در معاشرت الگو است، اهل تکبر نیست، خودش را سریع با محیط وفق می دهد، شیفته و دلبسته کار است، ذوق و قریب و دانش گسترش را با چاشنی شیرین زبانی درآمیخته است. به عکس کسانی که خودشان هم نمی دانند چه می گویند، دکتر همیشه می داند چه می گوید و در واژه واژه صحبت خود دقت دارد.

دارد.

**دکتر از شما به عنوان حافظه گویای مطبوعات ایران و برجسته‌ترين صاحب نظر در زمینه تاریخ مطبوعات ایرانیان می‌کند. به نظر شما دکتر شکرخواه در تاریخ مطبوعات ایران چه جایگاهی دارد و شما چه جایگاهی را برای ایشان قابل هستید؟**

با تمامی بررسی‌ها و مطالعات خود به این جمع‌بندی رسیدم که دکتر شکرخواه در نوع خود بی‌نظیر است. به این جهت که ایشان با نسل‌های گوناگون روزنامه‌نگاری کار کرده است. ابزار چاپ متنوع دیده است. به این معنا که ایشان از روزنامه‌نگاری کاغذی به سمت **روزنامه‌نگاری الکترونیک** رفته است و در این عرصه پیشگام بوده است. امروزه هنگامی که روزنامه‌نگاران برجسته تاریخ ایران را مرور می‌کنم، می‌بینم دکتر شکرخواه تمامی نسل روزنامه‌نگاری ایران را دیده و از طرفی هم سر بلی برای روزنامه‌نگاری ایران بوده است و به دلیل احاطه و تسلطی که به زبان انگلیسی دارد، می‌تواند تازه‌ها را برای روزنامه‌نگاری ایران ترجمه کند.

خدمت دیگر دکتر شکرخواه نسل پروری است. بسیاری از دانشجویانی که روزگاری دانشجوی ایشان بودند، امروز از فعالان عرصه رسانه هستند. چه در رسانه‌های دیداری و شنیداری و چه در رسانه‌های نوشتاری و از این جهت هم دکتر شکرخواه حق عظیمی به گردن روزنامه‌نگاری ایران دارد. ولی از یک طرف باید واقعیت‌ها را گفت که حسادت‌ها همیشه باعث می‌شود که انسان‌ها آسیب بینند یا مسیر خود را تغییر دهند و یا تمام حرفی را که دارند، بر زبان نیاورند. دکتر شکرخواه به دلیل اینکه آدمی با هوشمندی بسیار بالا است، گاهی اوقات که احسان‌می‌شود که انسان‌ها معمول می‌شود، خودش قد خود را کوتاه می‌کند و این ممکن است برای دکتر شکرخواه برکت باشد اما برای جامعه یک خسaran است. دکتر شکرخواه از آدم‌هایی است که هیچگاه داشت و توانمندی او نتوانست ظهرور بیدا کند.

**خطرهای از سال‌هایی که با دکتر شکرخواه کار کردید را به یاد می‌آورید؟**

مدیریت فکر و ذهن دکتر شکرخواه بسیار منسجم است. تمامی خاطراتمن شیرین است. در کنار دکتر شکرخواه بودن آرامش آفرین است. در روزگاری که پلشته و زشتی از در و دیوار بالا می‌رود، اگر شما یک همکار داشته باشید که به او اعتماد داشته باشید، نعمت بسیاری است که باعث می‌شود ذهن معطوف به کار شود و راندمان کاری بالا برود. یکی از ویژگی‌های دکتر شکرخواه این است که در محیط کار با ایشان دیگران آرامش دارند، می‌توانند خلاقیت‌های خود را نشان دهند.

سال‌ها نه تنها کوچکترین خدشهای به دوستی برادرانه‌مان وارد نیاورد، بلکه اسباب مزاح و خنده را گرم کرد و به یک روح در دو بدن تعبیر می‌شدیم. همیشه و همواره گفتار و رفتار یکسان ما حیرت اطرافیان را برانگیخت و نفاق افکنان حرفه‌ای را مایوس ساخت. دکتر یونس از نوادری است که فقط با عمق دوستی در می‌یابیم که پشت عینک و ریش انبوهش، دنیایی از صفا و صمیمت و خلوص و انسانیت نهفته است.

معنای وارستگی را باید با او فهمید. در اندوه دیروز و فردا نیست. شهرت و محبوبیت را توانمند دارد اما با این دو دکان‌داری نکرده و نمی‌کند. کینه، بعض، حسد و ناسازگاری در او راه ندارد. برادرانه نمی‌رند و نمی‌رنجاند. زمان غصه خوری و نشاطش را می‌دانم. در این سال‌ها در عمق چشمانش غمی نهفته است. صدای ساز نوازنده دوره‌گردی را که می‌شنود اشک را پنهان می‌کند و لطیفه‌های ریزمه‌زیر شلیک خنده او را به آسمان می‌رساند. شیرین زبانی است که تلخ بیانی ندارد. افزون بر نجابت ذاتی، ممتاز قلمی هم دارد و همه حرفش را هیچ‌گاه نمی‌نویسد. او عدالت‌گسترش را همراه با دانش‌گسترش می‌خواهد. اهل تفکر است. ایده‌هایش در قالب‌های تنگ نمی‌گنجد. برای هر مقوله‌ای تعریف خاص خود را دارد و شاهراه را از کوره راه به خوبی تشخیص می‌دهد. با این همه جفا می‌بیند و وفا می‌کند.

او به خوبی می‌داند اکنون قطار ارتباطات در ایران در کدام ایستگاه روزگار می‌گذراند. به خاطر علم و پیشرفت جامعه دعوت‌ها را می‌پذیرد. رویه‌های تلخ را می‌فهمد اما چون دور از هیاهو است، خویشتن دارانه گاه سکوت و گاه دوری گرینی را پیشه می‌کند. ده‌ها پرسش دانشجویان و علاقه‌مندان را در خیابان و بیابان پاسخگو است و چون حرمت پرسنده را نگاه‌بان است، بر شمار دوستان و دوست دارانش افزوده می‌شود. برای یونس مهم نیست که پرسنده ارزشی‌تری نویس است یا ورزشی‌تری. او علم را برتر از خط کشی‌های زمانه می‌داند. در زندگی خصوصی نیز حکایت‌ها دارد که مجال طرحش نیست. تصور می‌کنم که نگاه او به دو روزه عمر چنین است:

حباب آسا چنان بر چشم‌ههستی، سبک بنشین... که گرچین بر جیبن زد از نسیمی، خیمه بر چینی، بساط عمر نیزد به زحمت چیدن... چه چیدنی که باید نچیده بر چیدن، به دلیل اینکه دکتر شکرخواه در مطبوعات کارهایی می‌نوشت و ترجمه می‌کرد و من هم کارهایی می‌نوشت، تقریباً با اسم یکدیگر آشنا بودیم. ولی سرآغاز دوستی که تا به امروز استمرار دارد. به اولین سال‌های انتشار مجله رسانه بر می‌گردد و از آن تاریخ تا به امروز این دوستی به همان قوت و قدرت ادامه